رئیس - آقای ارباب کیخسرو
(اجازه)

ارباب کیخسرو - دو مطلب را آقای سردار معظم اظهار نمودند که هر دو مطلب متوجه به اداره مباشرت است اولا راجع به نسخه فرانسه بود که تاحالا دو قسمتش چاپ شده واینکه دیر شده برای تصحیح آن است وباید بآقای مخبر تأکید شود که زودتر تصحیح بفرمایند وبیاورند به مجلس آن قسمتش که حاضر است توزیع بشود تا آن آن قسمت اخیرش حاضر بشود وبدهند قسمت دیگرش

راجع بطبع صورت مشروح مجلس است که بنده آن روز استدعا کردم مراجعه شود به اداره مباشرت که صورتی از مخارج آن پیش بینی وتقدیم مقام ریاست بکنم ودر هیئت رئیسه ملاحظه بشود وبعد بیاید بمجلس بنده آن قسمت را عمل کردم وآن راپورت را تقدیم هیئت رئیسه کردم ولی هنوز هیئت رئیسه منعقد نشده یا مقتضی ندانسته اند که مطرح شود آن بسته بنظر آقای رئیس است که هر وقت مقتضی میدانند جلسه هیئت رئیسه تشکیل و در این باب مذاکره شود

رئیس - خودتان میدانید تشکیل هیئت رئیسه دوشنبه وچهارشنبه است

ملك الشعراء - اجرای قانون وظیفه رئیس مجلس است

رئیس - فردا درهیئت رئیسه مطرح میشود. آقای آقا سید یعقوب
(اجازه)

آقاسید یعقوب - بنده خیلی متاسفم ازاینکه آقای ملك الشعراء میفرمایند نطق ما مقدم است بریوست برود درصورتی که تجار بدبخت هستیشان از بین رفته وما آن راعقب بیندازیم

ملك الشعراء - آقا قانون اساسی است

(همهمه بین نمایندگان)
(صدای زنك رئیس - امر بسکوت)

رئیس - آقای مدبر الملك
(اجازه)

مدبر الملك - عرض بنده راجع به تذکر روز جلسه بود چون هفته گذشته جلسه بروز شنبه معین شد وبعضی از آقایان تصور کردند روز یکشنبه است وحاضر نشدند وحالا هم ازبعضی آقایان شنیدم که فرمودند روز پنجشنبه خوب است معین بفرمائید جلسه روز چهارشنبه است یا پنجشنبه

رئیس - بنده گمان می کنم واضح عرض کردم چهارشنبه

(مجلس سه ربع ساعت بعد از ظهر ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی
مؤتمن الملك
منشی م. شهاب - معظم السلطان

جلسه ۴۵
صورت مشروح مجلس یوم چهارشنبه ۱۵ اسد ۱۳۰۳ مطابق چهارم محرم ۱۳۴۳

(مجلس سه ساعت قبل از ظهر بریاست آقای موتمن الملك تشکیل گردید)

(صورت مجلس دوازدهم اسد را آقای آقا میرزا شهاب قرائت نمودند)

رئیس - آقای آقا سید یعقوب
(اجازه)

آقاسید یعقوب - عرضی ندارم

رئیس - کسی مخالف نیست؟
(گفته شد - خیر)

رئیس - آقای دامغانی
(اجازه)

شریعتمدار دامغانی - بنده میخواستم عرض کنم علت اینکه اعتبار نامه آقای معاضد السلطنه درمجلس جریان پیدا نمیکند چیست؟

خوبست آقایان اعضاء شعبه توجه به فرمایند ورسیدگی باین دوسیه را خاتمه بدهند و اعتبار نامه ایشان را بمجلس بیاورند.

رئیس - گمان میکنم علتش این است که اعتبارنامه شان هنوز داده نشده است

لایحه قانونی فقط ازماده (۲۲) مطرح است

آقای ضیاء الملك
(اجازه)

ضیاء الملك - ماده بیست ویك است که ماده بیست ودو میشود؟

رئیس - ماده بیست سابق است که بیست ودو شده است.

ضیاء الملك - بنده دراین ماده یك نقصی می بینم وآن این است که برای کارگران ایرانی که درآن موقع مستخدم کمپانی خواهند شد.

هیچ ترتیبی درخصوص حداقل مزد و ساعات کار وصندوق تقاعد و حفظ الصحه آن ها که خیلی لازم است دربین کارگران ایرانی مراعات شود نوشته نشده است و بنده تصور میکنم چون زندگی کارگری تازه دارد درایران پیدا میشود

بنابراین باید رعایتی که اوربائیها نسبت بکارگران خودشان میکنند ماهم این رعایت رانسبت بکارگران ایرانی بکنیم و بنده معتقدم که یك تبصره باین ماده اضافه شود ودرآن حداقل مزد واکثر ساعات کار وحفظ الصحه کارگران وصندوق تقاعد و بیمه اشخاص که در موقع کار ناقص میشوند نوشته شود.

سهام السلطان (مخبر) - این قسمتی که آقای ضیاء الملك فرمودند بعقیده بنده دراین امتیازنامه نمی شود نوشت

البته بایستی این قسمتها را ملاحظه کرد ولی درامتیازنامه نمی شود این نوع مطالب ازقبیل تعیین ساعات کار وحداقل مزد وغیره را نوشت فقط دراین جا نظریکه بوده است این بوده که بایستی کارگران که دراین معدن کارمیکنند درقسمتهای غیر فنی ایرانی باشند ودر قسمتهای فنی هم آنچه ممکن است ایرانی والا امریکائی باشند.

همینطور هم دراین ماده نوشته شده است:

صاحب امتیاز متعهد است برای اتباع ایران که درخدمت او باشند حتی المقدور هر گونه تسهیلات برای تحصیل اطلاعات علمی وعملی در فن صنعتی فقط فراهم آورد.

بعلاوه تعهد میکند برای کارهای غیرفنی امتیاز اتباع ایران را بکارواداردو همچنین برای مشاغلی که محتاج باطلاعات مخصوصه است ایرانیانی را که دارای استعداد و لیاقت لازمه به بینند بدیگران ترجیح دهند

یعنی درقسمت کارهای غیرفنی کارگر ایرانی باید کار کنند ودر قسمتهای فنی هم ایرانیها را بردیگران ترجیح میدهند این راجع باین قسمت اما آن قسمتی که مقصود ایشان است آنراهم البته درجای خودش باید ملحوظ داشت

رئیس - آقای ارباب کیخسرو
(اجازه)

ارباب کیخسرو - بنده نمیدانم استعمال کلمه (حتی المقدور) دراین ماده چه معنی دارد وچه معنی خاصی میتوانیم ازاین کلمه بفهمیم وچه نتیجهٔ برای اتباع ایرانی که در خدمت این کمپانی میروند گرفته میشود؟ دراین ماده بطور کلی یك عبارتی نوشته شده است:

صاحب امتیاز متعهد است برای اتباع ایران که درخدمت او باشند حتی المقدور هر گونه تسهیلات تحصیل اطلاعات علمی و عملی درفن صنعتی نقط فراهم آورد.

ولی این کلمه (حتی المقدور) را کجا وبچه قسم میشود تفسیر کرد ومفسرش کی خواهد بود.

بنده ازاستعمال عبارت حتی المقدور اینطور میفهمم که هیچوقت اتباع ایران به علم وفن آشنا نخواهند شد واگر کمیسیون مقتضی بداند این عبارت حتی المقدور رااز اینجا بردارد بحال اتباع ایران بیشتر نافع خواهد بود.

مخبر - اینجا عبارت (حتی المقدور) که نوشته شده بعقیده بنده اگر بفرانسه مراجعه بفرمائید می بینید که درنسخه فرانسه کلمهٔ (رزنابل) است و مقصودش این است که ممکن باشد واگر بنسخه فرانسه مراجعه کنید رفع اشکال خواهد شد.

آقاسید یعقوب - صحیح است

ارباب کیخسرو - آقای آقاسید یعقوب شما فرانسه میدانید؟

آقاسید یعقوب - شما که اعلم العلماء هستید این لفظ رانگاه کنند به بینید

رئیس - آقای آقاسید یعقوب
(اجازه)

آقا سید یعقوب - بنده موافقم اما میخواهم راجع باظهاری که آقای ضیاء الملك کردند عرض کنم...

رئیس - اگر موافقید باشد بعد از یك مخالف.

آقاسید یعقوب - آقای ارباب مخالف بودند.

رئیس - ایشان بعد از آقای مخبر صحبتی نکردند.

آقای داور
(اجازه)

داور - موافقم.

رئیس - آقای تدین.
(اجازه)

تدین - بنده موافقم.

رئیس - آقای مشار اعظم
(اجازه)

مشار اعظم - بنده هم موافقم

رئیس - آقای شیروانی
(اجازه)

شیروانی - بعقیده بنده مهمترین مواد این قانون همین ماده است. بین مردم همچو مشهور است

امتیاز نفط که میگذرد کار درمملکت زیاد میشود. ثروت در مملکت زیاد میشود و بالاخره این عجله هم که ما میکنیم قسمت اعظمش مربوط بهمین است که یك عده بیکار ویك عده اشخاصیکه بدبخت هستند در نتیجه یك همچو امتیازی داخل کار شوند واین ماده مقصود را تأمین نمی کند برای اینکه اولا درقسمت اول مینویسد:

حتی المقدور هر گونه تسهیلات برای تحصیل اطلاعات علمی وعملی. این وظیفهٔ یك مدرسه است وبهتر بود عوض این ترتیب کمپانی را ملزم کنند که حتی الامکان اعضاء فنی را که ایرانی هستند مقدم بر امریکائی بدارد و در اینجا نوشته نشده است واینکه نوشته شده است هر گونه تسهیلات برای تحصیل اطلاعات علمی و عملی درفن صنعتی نفت فراهم آورد.

اینجا عبارت تسهیلات فراهم آورد تعارف است باید کمپانی ملزم باشد که اعضای فنی خودرا آنچه ممکن است از ایرانیها استخدام بکند واگر ایرانی نبود آنوقت ازامریکا بیاورد.

اما در قسمت دوم که مینویسد:

بعلاوه تعهد میکند برای کارهای غیر فنی امتیاز اتباع ایران را بکار وادارد و همچنین برای مشاغلی که محتاج باطلاعات مخصوصه است ایرانیانی را که دارای استعداد و لیاقت لازمه به بینند بدیگران ترجیح دهند.

بنده اینجا باذکر کلمه دیگران بکلی

مخالفم وباید صاحب امتیاز دراین‌ماده‌تعهد کند که اعضاء فنی وغیرفنی او ایرانی و امریکائی باشد و نباید اجازه داد که دیگرانهم باسم اعضاء فنی وغیرفنی داخل درکارهای نفطی‌شوند وپیشنهادیهم کرده‌ام که کمپانی حق ندارد غیراز ایرانی و آمریکائی اعضاء فنی وغیرفنی برای‌خودش بیاورد •

رئیس- آقای آقاسید یعقوب

(اجازه)

آقا سید یعقوب- بنده میخواهم‌جواب آقارا عرض کنم• خیلی تعجب است این امتیاز نفط است یاامتیاز مدرسه‌است؟..

شیروانی- بنده هم همین را عرض کردم •

آقا سید یعقوب- ما امتیاز نفط را میدهیم نه امتیاز تأسیس مدرسه که بیاید و مدرسه فنی برای‌افراد ایرانی تأسیس کند ولی افراد ایرانی که مستعد از برای تحصیلات هستند کمپانی هم باآنهامساعدت و همراهی میکند که دارای علم و کمال بشوند نه اینکه بکمپانی بگوئیم یك مدرسه دارالفنون‌ونظام وتجارت هم‌تأسیس کند •

مایك امتیاز نفطی میدهیم که دراین امتیاز یك منافعی هم ازبرای‌ایرانی‌ملحوظ شده است•

اما راجع بکلمه (دیگران) ماگفتیم که این امتیاز باید در دست یك کمپانی معتبر مستقل آمریکائی باشد حالا اگر بخواهد کارگر فنی از روسیه یاجای‌دیگر بیاورد واستخدام کند ما نبایدمخالف‌باشیم ومانع شویم ما که با کارگر عناد نداریم کارگر ازهرملتی میخواهد باشد بیاورد

رئیس- آقای اخگر

(اجازه)

اخگر- بنده معتقدم قسمت‌مهم‌استفاده که ایران ازاین‌امتیاز میکندهمان‌موضوع استفاده یکعده کارگر است وبایستی این نکته را بیشتر ازهمه مراعات کردومجالتاً ما در قسمت دیگر گرفتار این ابتلاآت هستیم و یك اجحافات و تعدیاتی نسبت بعمله‌جات می‌شود ویك عمله‌جاتی از خارج‌میآورند وآن نظر ما هم تأمین نمی‌شود مابایدازاین ترتیبات‌تجربه‌بگیریم وبرای آتیه خودمان راگرفتاریك‌مخمصه‌هائی نکنیم بنده معتقدم که درآخر ماده بیست ودویك شرحی اضافه شود که‌موافق قانون علیحده که بتصویب دولت و کمپانی خواهد رسید ترتیب مزد عملجات وساعات کارو حفظ‌الصحه وصندوق تقاعد و ترتیب بیمه عملجات که اگریکی درضمن کارمعیوب شد یاتلف‌شد یاپیرشد تکلیفش چیست ؟ اما راجع بعملجات ایرانی این عبارتیکه در اینجا نوشته شد :

حتی‌المقدوربکار واداشته خواهند شدکافی نیست مابایستی بفهمیم پس از آنکه بی‌کارها مشغول کارشدند باآنها چه‌نوع معامله خواهند کرد اگر حکایت روزی دوریال مزد است وهروقت‌بخواهند آنها را اخراج بکنند ودیگریرا بیاورند یااگر ناقص شدند چیزی بآنها ندهند همانطور که درقسمت‌دیگر معمول است‌این چیزی نیست که ما را قانع کند و تصور نمی کنم که‌برای‌ایران‌هم‌یك‌فائده‌داشته باشدو پیشنهادی هم در این‌موضوع کرده‌ام و استدعا میکنم که آقای مخبرقبول بفرمایند ودر آخر این ماده ضمیمه کنند•

اما قسمت دیگریرا که آقای‌آقاسید- یعقوب توضیح دادند•

بنده را مجبور کرد که در این‌قسمت هم عرایضی عرض کنم ایشان فرمودند که از هرجای دنیاکارگر می‌خواهند بیاورند اهمیت ندارد•

این ترتیب برای‌ما خیلی مهم است درکمپانی نفط جنوب‌آلان عده زیادی عمله‌هندی‌کار میکنند درصورتیکه نظرما این استکه ایرانیان بی‌کار مشغول کار شوند مانمی‌خواهیم تاموقعی که در ایران بی‌کار هست عمله از جای دیگر بیاورند برای اینکه‌کارگران ایرانی‌نسبت‌بمعادن ایران احق‌واولی هستند•

رئیس- آقای‌داور•

(اجازه)

داور- اعتراضات نماینده محترم آنچه که بنده ملتفت شدم دوقسمت‌است•

یکی راجع بمسئله مزدکارگر دیگر اینکه عملجات‌باید‌ایرانی‌باشند• آنچه‌راجع بمسئله کارگر است‌البته باید تصدیق کرد که‌کارگریك‌سرمایه بزرگی است‌صرفنظر از اینکه ازنقطه نظر انسانیت بایداو را حفظ کردبایدکاری کرد که‌اوبخوبی‌زندگانی کند و بدرد مملکت بخورد منتهی محل اعمال این نظر راهم باید در نظر گرفت در یك مملکتی نمی‌شود یك مؤسسه‌و یك کمپانی رامجبور کرد که‌رعایت‌یك‌قواعد مخصوصی را نسبت بکارگر بکند در صورتیکه سایرموسسات آن‌مسئله‌رارعایت نمیکنند این‌خارج از انصاف و خارج‌از ترتیب معموله است بلکه بایدیك قوانینی از برای حفظ حقوق‌کارگر وضع کرد و این همان ترتیبی استکه درتمام دنیامعمول است وهمین مسئله راکه آقای ضیاءالملك اشاره کردند •

همین مسئله رادردوره چهارم‌درموقع امتیازکبریت تبریز بنده‌تذکر دادم‌و این یك مسئله مهمی است ودرهر حال‌باید یك قوانینی راجع بحفظ‌الصحه وساعات کار و حداقل مزدو سایرترتیباتیکه‌راجع بکارگر است وضع کرد وهمانطورکه عرض کردم بطوریکه در تمام ممالك دنیا معمول است بالاخره ایرانهم باید یك‌روزی خودش را میان‌ممالك متمدنه عالم درپیاوردو قواعد معینه رانسبت بکارگر داشته باشداماامروز در یك امتیازیکه‌طرف مایك کمپانی‌معینی است نمی‌شود باوگفت شما مجبور هستید که ساعت‌کار را هشت ساعت بکنید در صورتیکه درهمین مملکت درجای دیگرده ساعت‌کار میکنند•

این‌یك ترتیبی استکه بالطبیعه او را روبورشکستگی میبرد همیشه قوانین‌کارگر بایدیك‌طوری باشد که برای همه مساوی باشد مثلا اگردریك جائی کمتر کار کنند وبیشتر مزد بدهند درمقابل مؤسسه‌دیگری که کمتر میدهد نمیتواند زندگانی کندپس ممکن است آقایك‌پیشنهاد مفصلی‌بفرمایند که درآن پیشنهاد حقوق‌کارگر و مزد و غیره تمام اینها ملحوظ شده‌باشد وبنده هم موافقم •

اماراجع‌بقسمت‌دوم که‌اتباع‌ایرانی‌بایدکارگر باشند البته مادام که ماخودمان کارگرداریم نبایستی بگذاریم که ازخارج کارگربیاورند ولی این‌مسئله راهم باید تذکر بدهم که نباید تصور کرد درایران‌کارگر زیاد است همین قدر که دومؤسسه بزرك مثل‌نفط در ایران پیدا شود خواهید دید که فلاحت وزراعت ایران زمین خواهد خورد آلان در یك قسمت ایران‌کارگر وملاح‌وزارع بقدرکافی نیست واملاك واراضی‌همینطور معطل مانده وبایستی این‌فکر راهم کردو بهمین نظربود که کمیسیون‌بعدازملاحظات ودقتهای زیادرابطور که ملاحظه‌میفرمائید نوشت والبته اگر ایرانی بقدرکافی نباشد آنوقت نمیشود گفت که از جای دیگرهم کارگر نیاورد واین‌هم یکی‌ازاشتباهاتیست که‌ما می‌کنیم وآمدن‌یك نفرخارجی را بایران مضر میدانیم•

ایران محتاج است باینکه یك‌عده را از خارج بیاورد بادر نظر گرفتن جهات سیاسی‌آن• این مملکت وسیع و باصطلاح یکی از آقایان روزنامه نویس این مملکت لندهور که ما داریم‌بایدسعی کنیم که از خارج عمله‌بیاوریم‌زیرابا این عده‌کم ممکن نیست‌کار پیش برود مثلا دو ملت بزرگی که خیلی مهاجرت میکنندیکی ایطالیااست یکی آلمان• بنده نمی‌دانم چه ضرر دارد که‌کمپانی یك عده کارگر آلمانی یاایطالیائی بیاورد وتصور میکنم که اگرامروز بخواهیم بطورصریح ذکر کنیم که مثلااز فلان‌نقطه نباید‌کارگر بیاورد چندان حسن اثر نداشته باشد و رویهمرفته همان طور که کمیسیون نوشته است تصور نمیکنم نگرانی‌داشته باشد و خوبست آقایان رأی بدهند•

(جمعی گفتند - مذاکرات کافی است)

رئیس- پیشنهادهاقرائت‌میشودپیشنهاد آقای اخگر•

(بشرح ذیل‌قرائت شد)

بنده‌پیشنهاد میکنم‌درآخرماده‌بیست‌و دوم عبارت ذیل اضافه‌شود•

ترتیب حقوق‌کارگران و حفظ‌الصحه آنها وتعیین تکلیف اشخاصی که‌درخدمت کمپانی تلف و یا معیوب می‌شوند و غیره موافق نظامنامه علیحده که بتصویب دولت ایران و کمپانی خواهدرسیدداده خواهد شد•

رئیس- توضیح بدهید•

اخگر- بنده علاوه برآن‌توضیحی که عرض کردم گمان نمیکنم دیگر محتاج بتوضیح باشد همینقدر عرض میکنم این که آقای داور فرمودند ممکنست کارگر کسر داشته باشیم‌بنده تصورنمیکنم•

علی‌ای حال اگر کسر داشته باشیم یانداشته باشیم عقیده بنده اینست که باید نظامنامه باشد که تکلیف‌کارگر وکارفرما معلوم باشدوبهمین ملاحظه بنده‌این‌پیشنهاد راکرده‌ام که در آخر ماده بیست و دو اضافه‌شود و بعددولت‌بانماینده کمپانی‌یك نظامنامه کارگران ترتیب بدهند که هم‌کارگران تکلیفشانرابدانند وهم کمپانی تکلیفشرا بداند واین تکلیف شاقی نیست بلکه یك چیزیست که در تمام ممالك دنیا معمولست و البته از تعدیاتی جلوگیری خواهد کرد•

رئیس- آقای مشاراعظم•

(اجازه)

مشاراعظم - مذاکرات در اطراف رعایت حقوق‌کارگر خیلی خوبست البته باید نسبت بحقوق کارگرانی که‌درمملکت ما متحمل‌زحمات زیادی می‌شوندرعایتهائی کرد ازاینکه برای خودشان‌کار بکنندیا برای کمپانیهای‌خارجه•

برای اینکه نسبت بآنها تعدی‌نشودو حقوق آنها محفوظ بماند باید قوانین ونظامنامه‌هائی‌تهیه کرد ولی چیزی که‌هست این موضوع مربوط باین ماده نیست این ماده در خصوص روشن‌فکر و باسواد و اشخاص فنی است وماده هیچ مربوط باین قضیه نیست وبرفرض هم که‌پیشنهاد آقای اخگر خیلی خوب‌باشد تازه جای آن در ذیل این ماده نخواهد بود بلکه در جای دیگر است وباز هم عرض میکنم که‌درست در نسخه فرانسه آنهم دقت بفرمائید این ماده در خصوص اشخاص‌فنی است‌و کمپانی باید حتی‌الامکان یك تسهیلاتی فراهم‌بکند وآنهارابقسمت‌فنی آشنابکند وراجع‌بآنها هم که متخصص هستند آنهارا در استخدام ترجیح بدهدبرخارجیها بنابراین موضوع مربوط این قضیه نخواهد بودویك‌موضوع دیگری است•

رئیس- رأی میگیریم بقابل‌توجه‌بودن پیشنهاد آقای اخگر•

مدرس- یکدفعه دیگر قرائت‌بکنند•

(مجدداً بشرح گذشته قرائت‌شد)

مدرس- صحیحست وعیبی‌ندارد•

رئیس- آقایانیکه این اصلاحراقابل توجه میدانند قیام‌فرمایند•

(اغلب قیام نمودند)

رئیس- قابل‌توجه شدپیشنهاد آقای حاج میرزاعبدالوهاب •

(بشرح ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم تبصره ذیل‌بماده بیست‌ودو اضافه‌شود :

درصورتیکه‌صدمه‌مالی وجانی‌بمعلمات که مشغول خدمت هستند درعین عمل‌وارد بیاید کمپانی بایداز عهدهٔ خسارات وارده برآید •

مدرس- این‌هم توی نظامنامه است آقا استرداد میکنند •

حاج‌میرزا عبدالوهاب - چون‌پیشنهاد آقای‌اخگر این‌را داشت استردادمیکنم •

رئیس - پیشنهاد آقای‌ضیاءالملك

ضیاءالملك - دیگر لزومی ندارد • همانست •

رئیس- پیشنهاد آقای‌ارباب کیخسرو

(بشرح ذیل‌قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم درماده‌بیست و دو عبارت حتی‌المقدور حذف‌وبعدازعبارت « هرگونه تسهیلات » کلمه « ممکنه» مزید شود •

ارباب کیخسرو - خودآقای مخبردر ضمن توضیحاتی که دادند فرمودند که این مطلب در نسخه اصل نیست و در کمیسیون اضافه کرده‌اندواین کلمه مقصود رانمیرساند ودر پیشنهادی هم که خود دولت کرده است نوشته است تسهیلات عادلانه و هیچ حتی‌المقدور ننوشته است بعلاوه بنده‌تصور میکنم که اگر کلمه ممکنه را بنویسدآن بیانات خودشانرا میرساند و این اشکالات هم رفع می‌شود•

مخبر (سهام‌السلطان) بنده‌عرض کردم که این‌کلمه حتی‌المقدور بجای کلمه رفرنابل نوشته شده‌و همانطوری هم که عرض کردم کلمه رزنابل را ممکنست‌بیکی از این عبارات ترجمه کنیم وبجای‌آن‌حتی‌المقدور نوشته‌شودوچون این پیشنهادقابل توجه شد این کلمه را در کمیسیون تبدیل میکنیم بیك کلمه دیگر که‌نزدیکتر بمعنی کلمه فرانسه باشد •

رئیس- ماده یکمیسیون میرودولی باید تکلیف کمیسیون‌معلوم باشد •

سهام‌السلطان‌مخبر- عبارت‌رانوشته‌اند در کمیسیون تجدید نظری میشود هر کدام راصلاح دیدند بجای‌آن نوشته‌میشود •

رئیس- حالا رأی بگیریم •

مخبر- رأی هم‌ممکنست هر کدام را رأی دادند نوشته میشود •

رئیس- آقایانیکه این‌پیشنهادرا قابل توجه میدانند قیام فرمایند •

(اغلب قیام نمودند)

رئیس‌-قابل توجه‌شد• پیشنهاددیگر •

(بشرح ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم ترتیب امور کارگران موافق قانون کبریت سازی آذربایجان باشد• محمدهاشم میرزا

رئیس - آن ترتیب را هم توضیح بدهید •

شاه‌زاده شیخ الرئیس - اینماده‌اش‌را میخوانم چون بنده امیدوار نیستم که نظام‌نامه نوشته شود

چنانکه‌پارسال‌هم بنده مخبر کمیسیون فوائد عامه بودم وامیدوارنبودم وتصورنمی کنم که این نظام‌نامه اصلا نوشته شود

اینست که عقیده دارم‌این دوماده از قانون کبریت سازی آذربایجان را (در صورتی که نفت هم گمان نمیکنم دیرتراز کبریت‌آتش بگیرد)

اقلا نوشته شود ،

«ماده نهم - صاحبان امتیاز متعهد هستند که در تأسیس کارخانجات و انتخاب محل وقبول کارگران‌واستعمال مواد کبریت کمال مراقبت ورعایت حفظ‌الصحه‌را بعمل آورده وهرقسم دستوری که از نقطه نظر حفظ‌الصحه از طرف دولت معین میگردد بموقع‌اجرا بگذارند

ماده دهم - هرگاه‌سوانحی‌بمستخدمین وکارگران وارد شود وثابت گردد که‌نتیجه تقصیر یا غفلت صاحب‌امتیاز یاعدم رعایت نظامات وقوانین راجعه بکارخانجات بوده است ترمیم خسارات آنها برعهده صاحب امتیاز است

این دو ماده را عقیدهٔ بنده اینست بگذارند وفقط لفظ کبریت را نفت‌بنویسند وعین این دوماده را که سابقه‌هم دارد اقلا رعایت بکنیم

وزیر مالیه - چون مذاکره‌درموضوع وضعیت عملجات‌درنفت شمال میشود این مسئله راگویا آقای حائری زاده بودند در کمیسیون اظهار کردند ، و با نماینده کمپانی مذاکره کردیم آنها حرفی‌ندارند ودر موضوع حفظ‌الصحه عملجات‌هرقانونی که از مجلس شورایملی بگذرد راجع به وضعیت عملجات آنها قبول دارند و هیچ تمردی نخواهند داشت و گمان نمی کنم این شرطی باشد که جزء شروط اصلی‌یك امتیازنامه باشد•

آنهاقوانینی راکه مجلس مقرربدارد قبول دارند

شاه زاده شیخ الرئیس -درصورتیکه قبول کرده‌اند دیگرعرضی ندارم

(پیشنهادآقای‌سالارلشکر بشرح ذیل قرائت شد)

پیشنهاد می نماید در آخر ماده اضافه‌شود :

«ایرانیهائی که‌تحصیل مهندسی‌معدنی یا شعبات دیگر مهندسی را نموده اند و دارای تصدیق‌نامه یکی از مدارس اروپا یا امریکا باشند کمپانی ملتزم است که‌آن شاگردها را استخدام و کار فنی موافق تحصیل‌آنها رجوع نماید»

سالارلشکر - این مسئله‌فنی وغیرفنی که اینجا نوشته‌است حالا درایران شاگرد هائی که واقف بفن معدن‌باشند نداریم

ولی نظر باینکه این امتیاز تا پنجاه سال است و یك عده شاگردهائی که در اروپا همیشه هستند که پس از تحصیلات مقدماتی متحیرند چه‌تحصیلات عالیه‌بکنند که بیایند در ایران و ازآن ممر بتوانند اعاشه کنند

حالا اگر پیشنهاد بنده‌راقبول‌بکنند در واقع یك تشویقی‌است برای‌شاگردانی که در اروپا مشغول تحصیلند که تحصیل شعبات مهندسی را بکنند والبته این‌امتیاز شعبات مختلفه خواهد داشت‌ازقبیل‌مهندس الکتریسته ، راه معدن وغیره

آن شاگردهائی که از فرنك می آیند اینجا وظیفه کمپانی باشد که‌آنها را قبول بکنند و به آنها کار رجوع بکنند بلکه در این مدت اقلا دویست سیصد تا مهندس ایرانی تهیه بشود وبعد از تمام شدن این‌امتیاز و این استخدام خودشانهم بتوانند یك امتیازاتی بگیرند و کار ایرانهم ازهرحیث رواج پیدا بکند•

مقصود بنده واقعاً شاگردانیست که دراروپا هستند

وزیر مالیه - بنده خیلی تقدیر میکنم فرمایشات حضرت والا سالار لشکر را ولی خاطرایشانرا متوجه میکنم بفقره‌اخیر ماده بیست و دو :

«وهمچنین برای مشاغلی که محتاج باطلاعات مخصوصه است ایرانیانی را که دارای استعداد و لیاقت لازمه بینند به دیگران ترجیح بدهند»

تصورمیکنم این مسئله مقصود ایشان را تأمین میکند واگر ایرانیهائی باشند که مهندس باشند البته آنها رجحان دارند بر دیگران

رئیس- رأی میگیریم بقابل‌توجه‌بودن پیشنهادآقای سالارلشکر•

آقایانی که قابل توجه میدانند قیام فرمایند•

(عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد•

پیشنهاد دیگر•

(پیشنهادآقای شیروانی بشرح ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم که درسطر سوم این ماده بعد از جمله فراهم آورد ضمیمه شود :

«واعضاء فنی ایرانی را برامریکائی ترجیح دهد»

ودرآخر همین ماده ضمیمه شود :

«درهرصورت صاحب امتیاز متعهد است که اعضاء وکارگران فنی وغیر فنی خود را فقط از ایران وآمریکا استخدام نماید »

شیروانی - بنده استدعا میکنم یك قدری‌آقایان دقت بفرمایند جلسه‌سیاسی و جنبه اقتصادی این ماده را وبالاخره فکر کارگرهای ایرانی بیفتند که این نفت در چه نقطه واقع شده است ودرنزدیکی چه مملکتی واقع شده است وحتی‌الامکان محدود باشد که تا ماکارگرایرانی داریم کارگرخارجی غیرازامریکائی نیاورند

اینها یك چیزهائیست که لازم نیست بنده تشریح بکنم آقایان خودشان بهتر میدانند و اینکه آقای داور فرمودند ما کارگر کم داریم گمان‌میکنم اینطورنباشد برای اینکه ممکنست ایران همه شان بحمدالله کارگر بیکار هستند واگر تا چند امتیاز دیگرهم بدهیم شایدکارگرهای ما تمام نشوند

یکی دیگر اینکه بنده کاملا معتقدم کمپانی محدود باشد باینکه‌کارگرهاواعضا واجزایش چه فنی و غیر فنی آمریکائی و ایرانی باشد•

درآن قسمت اعضاء فنی البته اگر ما درایران نداشته‌باشیم اوهم مجبورنیست که درس بدهد وبقول آقای آقاسیدیعقوب بنده عرض نمیکنم دارالفنون درست‌بکند بنده در اینجا فقط ضمیمه کردم که اگر اعضای فنی خودمان داریم استخدام کند واگر نداریم‌آنوقت لزوم پیدامیکند که‌از آمریکا بیاورد•

این قسمت فنی• ودرقسمت ثانی هم که غیرفنی باشد مجبورباشدکارگرانش‌را ازامریکائی وایرانی استخدام کند وازجای دیگرنیاورد

رئیس - آقای تدین

(اجازه)

تدین - ماده بیست و دوم را اگر بدقت طرف توجه قرار بدهند تصدیق خواهند کرد که بسه قسمت منقسم میشود ودرهرسه قسمت منافع کارگروعمله ایرانی تأمین شده‌است

قسمت‌اول اینست :

یکعده‌ازکارگرها وعمله‌جات که اطلاعی ندارندازفن‌صنعتی‌نفت صاحب‌امتیاز متعهد است که هرگونه تسهیلات موجهه یاممکنه برای‌آن‌عده کارگرتهیه کند

بنابراین یکعده‌کارگر میتوانند از این قسمت استفاده کنند وکسب یك رشته معلومات بکنند

قسمت دوم در اینجا تصریح دارد «برای کارهای‌غیرفنی‌امتیاز اتباع ایران‌را بکار وادارد»

بنابراین این قسمت‌کاملا تأمین شده است که‌برای امورغیرفنی اتباع ایرانی‌را بکاروادارد یك نکته دیگر دراینجا هست که توجه آقایان‌رابآن‌جلب میکنم و آن این است‌ازنقطه نظرمزدی که‌امروزدردنیا بعملجات میدهندوقتی که مزدعملجات‌خارج را مقایسه کنیم بامزد عمله ایرانی که در ایران کار میکنند تصدیق‌خواهند کرد که‌مزدعمله‌ایرانی نسبت بمزد عمله خارجه

خیلی کمتر است وصاحب امتیاز آنقدر لااقل تعقل دارد و هرجائی که‌عمله‌ارزانتر باشد آن عمله را ترجیح خواهد داد بر هرجائی که‌گرانتر است

پس برای امور غیرفنی این مسئله طبیعی‌است که تا سالهای سال عمله‌ایرانی ازنقطه نظر اینکه مزدش کمتراست‌برعمله خارجی مقدم خواهد بود•

قسمت سوم که‌اینهمه دراطرافش‌بحث میشود که « ما اگر یکعده اعضای فنی داشته باشیم و یکعده شاگرد از مدارس اروپا برگردند بیایند باینجا واینها ممکن است درمعدن شناسی وعملیات نفتی یا مشتقات‌آن اختصاص پیدا بکنند‌اینجابیکار خواهند ماند وبنابرین باید کمپانی را ملزم کرد که اینگونه اشخاص رابکار وادارد»

بنده تصورمیکنم این‌قسمت هم تأمین شده است برای‌اینکه‌آخرماده اینطورست «وهمچنین برای مشاغلی که محتاج باطلاعات مخصوصه است ایرانیانی راکه دارای‌استعداد ولیاقت‌لازمه‌بینند بعیگران ترجیح بدهند»

شیروانی - می گوید دارای استعداد نیستند •

تدین - خوب• هرگاه اختلاف شد درفهم وتفسیر این عبارات ومواد •

آن یك راه حلی دارد• واما اینکه میگویند کلمه دیگران حذف شود•

حذف کلمه بهیچوجه صحیح نیست و بعلاوه راجع بامور فنی‌است نه‌امورغیرفنی واگر بخواهند همانطوری که اظهار شد متخصص ازآلمان بیاورد یاازایتالیابیاورد یا از استرالیا بیاورد یا ازجای دیگراین را نمیشود منع کرد وگفت حتماً باید از امریکا بیاوری این بهیچوجه دلیل قانع کننده نیست واین نکته را هم در آخر عرض کنم که هی صحبت میشود کارگر زیاد داریم• نه• کارگرزیاد نداریم

فرقست بین کارگروبیکار•

بیکار زیاد داریم الان دراین‌تهران تنقید نمیکنم که بیکار زیاد است هیچ بی کاری حاضر نمیشود برود عملگی بکند•

این عده بیکار که در تهران هستند یکعده منتظرین خدمت ادارات هستند و یك عدهٔ دیگر که مسکن نیست یا وسایل برای ایشان نیست که بروند بیل بزنند کلنك بزنند•

بلی اگر برای اموراداری ، ثباتی منشی گری‌باشدحاضرمیشوندواینکه‌میگویند ماکارگر زیاد داریم اینطور نیست والان دقت بفرمائید درتوی‌این تهران عملجاتی که درسر این‌بنائیها هستند اغلب زارهند

علی‌ای‌حال در آن قسمت نمیخواهم داخل بشوم وتصور میکنم که این مقصود تأمین‌شده والبته دولتهای‌وقت دراین مدت پنجاه سال مراقبت خواهند کرد که‌اینماده بهمین مفهوم خودش باقی بماند و رعایت حال‌ایرانی‌هم شده باشد

رئیس- رأی میگیریم‌به‌پیشنهادآقای شیروانی•

ضیاء الواعظین - بنده یك پیشنهاد داشتم‌آنرا هم تقاضا میکنم قرائت شود شاید نظریات‌نظریات‌ایشانرا تأمین‌بکند

رئیس - آقایانیکه پیشنهاد آقای شیروانی‌را قابل‌توجه میدانند قیام فرمایند

(عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس - قابل‌توجه نشد•

پیشنهادآقای مدبرالملك

(بشرح ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم درسطر آخر بجای جملهٔ «بعیگران‌ترجیح دهند» نوشته شود «تا ازاتباع‌ایرانی‌هستند ازاتباع دیگری استخدام ننمایند»

مدبرالملك - بنده گمان‌میکنم‌حقیقتاً پیشنهاد بعضی ازآقایان راجع باین نفت خیلی قابل تقدیر وتقدیس بوده زیرا پس از آنکه قائل بشویم به فرمایشات آقای تدین تازه حکمیت وتشخیص را بخود کمپانی واگذار کرده‌ایم

یعنی میگوئیم لیاقت وتخصص‌راخود کمپانی‌تشخیص بدهد وتصدیق کند ممکن است یکروزی یکنفر از ایرانیها خوب تحصیل کرده باشد وحقیقتاً درتمام دنیا هم معلوم شود که‌آن لیاقتی که این کمپانی میخواهد دراین ایرانی بیشتر از دیگران موجود است

ولی بخود کمپانی وقتی رجوع بکنیم او قبول نمیکند و میگوید لیاقت این را من هنوز تشخیص نداده‌ام

پس دراینصورت بنده تصورمیکنم پیشنهاد بعضی از آقایان راجع باین که حتی‌الامکان تا از ایرانیها هستند ازاتباع دیگری قبول نکند خیلی قابل‌تقدیس‌است زیرا که درآنوقت مامیتوانیم‌اعتراض‌بکنیم که تشخیص را بتو واگذار نکرده‌ایم و اومجبوراست تا ایرانی هست از دیگران قبول نکند

رئیس - رأی میگیریم

آقایانی که این‌پیشنهادرا قابل توجه میدانند قیام فرمایند

(عده کمی قیام نمودند)

رئیس -قابل‌توجه نشد• پیشنهاددیگر آقای مدبرالملك

(بشرح ذیل‌قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم درماده ۲۴ در سطر دوم بجای کلمهٔ «حتی‌المقدور» کلمه «باید» نوشته شود

رئیس - درصورتی که «ممکنه» قبول شد «باید» با «ممکنه» موافقت نمیکنند

مدبرالملك - اگرقبول شده‌است‌بنده مسترد میدارم

رئیس - بناشد که لفظ «ممکنه» نوشته شود

مدبرالملك - کافیست بعقیده بنده

مدرس- ولی «باید» اخص‌از «ممکنه» است •

مدبرالملك - مسترد میدارم

رئیس - پیشنهادآقای‌میرزا جوادخان هم راجع بهمین‌لفظ ممکنه‌است

آقا میرزا جواد خان - چون‌تصویب شده بنده هم مسترد میدارم

رئیس - پیشنهادآقای ضیاءالواعظین

(بشرح زیرقرائت شد)

حقیر پیشنهاد میکنم که درماده ۲۲ سطر چهار بعداز جمله «کارهای غیر فنی امتیاز» لفظ «فقط» علاوه شد

ضیاء الواعظین - بنده دراینخصوص توضیحی زاید برآنچه‌آقایان گفتند ندارم دراین قسمت که در مملکت‌بیکارخیلی‌است شاید معل‌حرف نباشد

آن‌بیکارهائی که ما می‌بینیم‌اشخاصی هستند که در ادارات شهرها وولایات‌برای کارهای فنی اداری بیکار هستند ما اگر یك سفری برویم ویك قدم از شهر بیرون بگذاریم همهٔ رعایا را می‌بینیم گرسنه بیکار وفقیر هستند وهمیشه ازاین قبیل بی کارها برای قسمتهای غیر فنی این امتیاز در مملکت ما زیاد است اینست که بنده پیشنهاد کردم بعد ازآن جمله «که تعهد میکند برای کارهای غیرفنی امتیاز» لفظ «فقط» نوشته شود که جمله اینطورمیشود «بعلاوه تعهد میکند برای کارهای غیر فنی امتیاز فقط اتباع ایرانرا بکاروادارد»

مخبر- در کمیسیون این‌مسئله مطرح شد ومذاکره شد که لفظ فقط نوشته شود ولی ازطرف دیگر دقت کردند دیدنداگر فقط نوشته شود منحصر میکند که کمپانی حتماً عملجات ایرانی اختیار کند و اگر اتفاقاً زیاد تمر عمله لازم داشته باشد و ایرانی‌گیر نیاورد باید کار او زمین بماند باین جهت بود که «فقط» را ننوشته‌اند واین عبارت را نوشته‌اند « که درکارهای غیرفنی امتیاز اتباع ایرانرا بکار وادارد» آنوقت قطعاً تا زمانی که اتباع ایران هست بکار وامیدارد و اگر اتباع ایرانی نبود یا کم‌آمد دستش بازاست که از جای دیگر بیاورد

رئیس-رأی میگیریم•

آقایانیکه این اصلاح را قابل توجه میدانند قیام نمایند

(چند نفری قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد•

ماده ۲۳ مطرح است‌آقای‌آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - موافقم

رئیس - آقای اخگر•

(اجازه)

اخگر - در این جا ذکر میکنند که اگر این مواردی ازقبیل فرس ماژورپیدا شد که اسباب‌خسارت وزحمت کمپانی‌فراهم شد یا باعث تأخیر اجرای عملیات کمپانی شد کمپانی باید درظرف۳۰ روز کتباً به اطلاع وزارت فوائد عامه درتهران‌برساند ودولت ایران باید درظرف۶۰ روز کتباً قبول یا عدم قبول مورد فرس ماژور را بصاحب امتیاز اطلاع دهد•

بنده شصت روزرا خیلی کم‌میدانم و این‌فرجهٔ که برای قبول یاعدم قبول دولت ایران قرار شده کم است بجهت اینکه مواجه بشود

این‌شصت‌روز بایك مواقعی که‌برای دولت ایرانهم یك گرفتاریهائی پیش‌آمده باشد یامواجه بایك تعطیلاتی شده باشد و بعلاوه شاید برای اینکه دولت‌بتواندابن خسارات وارده را قبول بکند یا نکند لازم‌بشود •

یك مأمورینی بمعل بفرستد به بینند وخبر بیاورندداراینصورت شصت روزخیلی کم‌است برای اینکه دولت قبول کرده است که کتباً قبول یا عدم قبول را جواب‌بدهد•

علیهذا بنده گمان میکنم که باید شصت روز بیشتر قرار دهند برای این که آن موارد فرس ماژررا قبول یا رد کنند •

مخبر- ازدوطرف قیدشده که کمپانی درعرض یکماه اگر یك‌واقعه رخ میدهد بدولت خبربدهد

دولت هم‌باید درظرف دوماه جواب بدهد وبنده گمان میکنم دوماه کافی است دولت درظرف این‌مدت ممکن است‌اطلاع پیدا بکند که‌این قضیه که‌اظهارشده‌حقیقت دارد وممکن‌است قبول کندیانه‌این‌تحقیقات مقدماتی درظرف دوماه بعمل آید و باید تکلیف کمپانی هم معین باشد که این خسارات‌قابل‌قبول است یا نه

بعد ازاین تحقیقات یقدماتی که‌بعمل آمد و جواب داده شد اگر محتاج باطلاعات دیگری هم باشدالبته‌ممکن‌است بعدتحقیق کنند

رئیس‌آقای مشاراعظم

(اجازه)

مشاراعظم -بنده‌عرضی ندارم•

(جمعی‌از نمایندگان - مذاکرات کافی‌است)

رئیس -پیشنهادها قرائت‌میشودپیش‌نهاد آقای افشار•

(بشرح‌ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم‌ماده۲۳ بترتیب ذیل‌نوشته‌شود

دولت ایران تعهد میکند در موارد فرس‌ماژر مثل جنك رولوسیون وزلزله و طوفان وطغیان آب‌وغیره که‌مانع‌یا مزاحم یاباعث تأخیر اجرای تعهدات صاحب‌امتیاز گردد •

مدت اجرای‌آن تعهدات رانسبت به معل تحقق فرس ماژر تمدید داده و مدت مفقوده دایر بهمان معل بمدت امتیاز بیفزاید

افشار - این ماده طوری نوشته شده که اگر فرضاً دریکی ازقطعاتیکه امتیازداده شده فرس مازور واقع شود آن‌مدت‌در ابر مدت امتیاز افزوده در صورتیکه فرس‌ـ مازور در یك محل مخصوص واقع‌شد لهذا بنده پیشنهاد کردم.

که‌آن مدت امتیاز بهمان‌محلی که فرس مازور درآن واقع شده افزوده شود باین معنی که‌عملیات کمپانی بعدازانقضاء مدت محدود بهمان نقطه که‌فرس‌مازورواقع شده‌باشد.

رئیس ـ آقای‌تدین

(اجازه)

تدین ـظاهر این پیشنهاد انسان را جلب میکند ولی درواقع بنده بنظربنده عملی‌نیست

برای اینکه کار های کمپانی تماماً مربوط بیکدیگر است ورشته‌های کارش دراین چهار قطعه بعد ازآنکه اراضی را معین کرد بهم مربوطاست

بنابراین در یك قطعه اگر مصداق مصدق فرس‌مازور واقع شدو آنجا باعث تعطیل‌کارش شد قطعاً سکته واردخواهد آورد بکارهای دیگرش بنابراین نمیتوان گفت که تمدید مدت‌رانسبت بهمان محل قبول کنیم فرض می کنیم یك سال درخراسان هدای نخواسته‌یك مصداق‌فرس‌ـ مازور واقع‌شد موجب تأخیر عملیات گردید بعلاوه آنوقت این‌یکسال راماانسبت‌بخراسان میخواهیم‌منظوربداریم‌ومی گوئیم‌درخراسان امتیازش ۵۱ سال است امادرآن‌سه قسمت دیگر پنجاه سال‌است این‌هیچ منطق‌ندارد وبعلاوه اصل مقصود همین بوده‌است که‌در یکی ازقطعات یادردو تااگر فورس مازور مصداق پیدا کرد والا اگرما قائل شویم که مقصودازوقوع فرس مازور درهرچهار قطعه است این یك‌فرضی است محال که گمان‌میکنم درعرض این پنجاه سال‌هیچ صورت خارجی‌پیدانکند مثلاخدای‌نخواسته یك‌زلزله بیاید که‌هرچهار قطعه را شامل بشود یاسیلی بیاید و آب رودخانه طغیان کند که‌هرچهار قطعه را فرابگیرد یایك رولوسیونی بشود که درچهار قطعه اتفاق بیفتد اینها یك‌اتفاقات واحتمالاتی‌است که خیلی بعید است

بنابراین بنده تصور میکنم که‌نمی شود این قسمت را قائل شد و اختصاص بیك محل‌داد وبطور کلی درهر نقطه که یکی ازاین مصادیق‌فورس مازور واقع‌شد بایدنسبت بتمام قائل شد والا ممکن است دریك‌قسمت ازصدپانزده‌اراضی مازندران فرس‌مازور واقع شودودریك قسمتش این مسئله‌واقع‌نشود

بنابراین آن‌مدتی را که فورس‌مازور عایق ومانع ومزاحم اجرای‌تعهدات کمپانی دریکقسمت‌ازصدپانزده‌اراضی‌مازندران‌شده آیا میفرمائیدنسبت‌بهمان یك‌قسمت ماپیائیم متداد مدت را قائل بشویم ونسبت بجاها دیگر منظورنداریم.

این یك‌چیز بعیدوغریبی بنظر بنده می آید.

رئیس‌ـرأی‌میگیریم

سردارمعظم ـیك‌مرتبه دیگربخوانند پیشنهادرا

(مجدداًبشرح سابق‌قرائت‌شد)

(بعضی ازنمایندگان

صحیح‌است)

مدرس ـدربین‌الهلالین‌ایالات‌وولایات بنویسندرفع‌اشکال میشود.

رئیس‌ـآقایانیکه‌این‌پیشنهادرا‌قابل‌توجه می دانندقیام فرمایند

(اغلب‌قیام‌نمودند)

رئیس قابل‌توجه شد پیشنهاد آقای اخگر.

(بشرح‌ذیل قرائت‌شد)

بنده‌پیشنهادمیکنم مدت فرصت‌دولت برای‌قبول یاعدم قبول‌موردفرس‌مازور نود روزتعیین‌شود

رئیس آقای اخگر

(اجازه)

اخگر ـعلاوه‌برآنکه‌عرض کردم‌توضیح دیگری ندارم

رئیس‌رأی میگیریم بقابل‌توجه بودن این‌پیشنهاد آقایانیکه‌قابل توجه می دانند قیام‌فرمایند

(عده‌قلیلی قیام‌نمودند)

رئیس قابل‌توجه نشد پیشنهاد آقای شریعتمدار

(بمضمون‌ذیل‌قرائت‌شد)

بنده پیشنهاد میکنم که‌فورس مازور تفسیرشود بجنگ‌ورولوسیون‌وعلل سیاسی و بالاخره زلزله و طوفان و امثال آن اسقاط بشود

رئیس ـ آقای شریعتمدار

(اجازه)

شریعتمدار ـدولت بایدمتعهدبشود بچیزهائی که تأمین خسارات کمپانی را می کند و در تحت قدرت و مسئولیت خودش باشد ازقبیل جنگ وناامنی وعلل سیاسی ودولت را نمی‌شود مسئول‌طبیعیات کرد.

ازقبیل زلزله و طوفان وغیره وآن چیزهائی که درتحت مسئولیت دولت‌است یکی اینست وعلل سیاسی است که‌ممکن است باعث تأخیر عملیات کمپانی بشود که‌اگر در اینها خللی وارد بشود که‌موجب تعطیل کار کمپانی‌بشود باید اجازه‌تمدید مدت داده شود.

اماا‌گر یك علتی پیداشد که مانع‌از ادامه عملیات کمپانی شد مثلا دریای بین ایران و امریکا انقلاب شد و اغتشاش پیداکرد که کمپانی‌نتوانست مسافرت بکند یااینکه خیرعلل‌شخصی‌پیدا کرد که‌نتوانست استفاده از کاربکند البته اینها را تصدیق میفرمائید که‌خارج از مسئولیت و قدرت دولت‌است

لهذا بنده پیشنهاد کردم جنك و رولوسیون‌وعلل سیاسی که موجب تعطیل کار بشود جزو فورس مازور محسوب شود والا چنانکه معروف است آفات ارضی وسماوی رانباید بعهده دولت ایران بگذارند.

سهام السلطان ـ بنده عقیده‌ام این است آن قسمتهائی را که فرمودند هیچ متوجه کمپانیهم نمیشود.

بجهة اینکه اگریك وقایعی اتفاق بیفتد خواه جنك باشد خواه رولوسیون باشد خواه آفات طبیعی باشد مثل‌طوفان زلزله وغیره‌اینها هم یك چیزهائی است که نه دولت ایران مسئول است‌و نه کمپانی ولی یك مدتی کمپانی امتیاز این‌معدن را گرفته‌البته میخواهد دراین مدت‌استفاده بکند وحالا یك مانعی پیدا شده که جلو گیری ازاستفاده او میکند میخواهد یك مدتی باو تمدید داده شود که درعرض‌این مدت عملیات خودرا ادامه بدهد واستفاده بکند این‌ازاین نقطه نظراست والا اگر این‌قبیل وقایع اتفاق بیفتد مسئول‌نه‌دولت ونه کمپانی.

رئیس ـ آقایانی که‌این‌اصلاح‌راقابل توجه میدانند قیام فرمایند.

(عده قلیلی قیام‌نمودند

رئیس ـ قابل‌توجه نشد.

پیشنهاد آقای میرزا جوادخان

(بمضمون آتی‌قرائت‌شد)

بنده پیشنهاد می کنم کلمهٔ (و غیره) ازسطر دوم ماده بیست و سوم حذف شود.

رئیس ـ آقای آقا میرزا جواد خان.

(اجازه)

آقامیرزا جواد خان ـ چون تقریباً تمام علل سیاسی وطبیعی که باعث تأخیر یك امتیازی بشود دراین جا ذکر شده است دراین صورت از کلمه و غیره ممکن است درآنجه سوء استفاده بشود و زائد است.

وزیر مالیه ـ نمی‌شوداین کلمهٔوغیره‌را حذف کرد معنی فورس مازور یعنی یك وقایعی اتفاق بیفتد که‌از تحت اختیارات دولت یاصاحب امتیاز خارج باشدوهمه‌آن هارا نمی‌شود اینجا ذکر کرد

آقامیرزا جوادخان ـ عرض کردم که تقریباً تمام آن‌مواردذکرشده.

رئیس ـ رأی میگیریم به پیشنهاد آقای میرزا جوادخان کسانی که قابل توجه میدانندقیام نمایند.

(عده قیام نمودند)

رئیس ـ قابل‌توجه‌نشد

پیشنهاد آقای عظیمی‌قرائت‌میشود

(بشرح آتی‌قرائت‌شد)

بنده پیشنهاد میکنم بجای کلمهٔ رولوسیون کلمهٔ انقلاب که معنی فارسی آن‌است‌نوشته شود.

رئیس ـ این را که نمیشود رأی گرفت ماده مراجعه میشود بکمیسیون‌ماده ۲۴ مطرح است

آقای‌مشارالاعظم.

(اجازه)

مشار اعظم ـ

عرضی‌ندارم

رئیس ـ آقای تدین

(اجازه)

تدین ـ موافقم.

رئیس ـ آقای داور

داور ـ موافقم.

رئیس ـ آقای آقاسیدیعقوب

(اجازه)

آقا سیدیعقوب ـ موافقم

رئیس ـ کسی‌مخالف هست

یکنفر ازنمایندگان ـ خیر

رئیس ـ رأی میگیریم ماده بیست و چهار آقایانی که تصویب میکنند قیام فرمایند.

(اغلب قیام نمودند)

رئیس ـ تصویب‌شد

ماده ۲۵ مطرح است . آقای آقا سیدیعقوب

(اجازه)

آقاسید یعقوب ـ موافقم.

رئیس ـ آقای حاج میرزاعبدالوهاب

(اجازه)

حاج میرزا عبدالوهاب ـ بنده‌در این پنجهزاردلارمخالفم‌بجهة اینکه این‌مستشار های خارجی که میآیند اینجا ما بایازده هزار دلارده‌هزاردلار استخدام میکنیم اما یکنفر ایرانی که ازطرف ایران‌بعنوان کمیسر معین میشود

باید بااین حقوق جزئی برود آنجاو بنده دراین قسمت مخالفم و باید بمیزان حقوق مستشاران خارجی که‌ما استخدام میکنیم حقوق باوداده‌شود

رئیس ـ آقای آقاسیدیعقوب

(اجازه)

آقاسید یعقوب ـ مامیل داریم که‌صد هزار دلار بدهند آنها که مستشار از ما نمی‌خواهند انشاءالله امیدواریم در تحت توجه نمایندگان مستشارهم ازایران‌بخارج برود.

(خنده ازطرف نمایندگان)

ولی این نماینده کمیسری که از طرف دولت میرود آنجا برای‌این میرود که اطلاعات پیدا کند وازترتیبات‌مستحضر شود ورایورت آنها رابدولت بدهد والا برای این نمیرود که اداره نفت‌شمال را اداره کند این است که ازاین بیشترممکن نیست.

(بعضی گفتند مذاکرات کافی است)

سردار معظم ـ مخالفم

رئیس ـ راجع بعدم کفایت‌مذاکرات مذاکره بفرمائید.

سردار معظم ـ خیر در این قسمت عرضی ندارم

رئیس ـ آقایانی که مذاکرات را کافی میدانند قیام بفرمایند.

(اغلب قیام نمودند)

رئیس ـ معلوم میشودکافی‌است‌رأی میگیریم ماده۲۵

سردار معظم ـ بنده پیش‌نهاد دارم.

رئیس ـ بفرستند

(پیشنهاد آقای سردارمعظم

بشرح زیرقرائت شد)

بنده پیشنهاد می کنم کمیسر حذف شود.

رئیس ـ آقای سردارمعظم

(اجازه)

سردارمعظم ـ بنده تصور میکنم گذشتن‌این ماده وقائل‌شدن‌بکمیسر‌بتصور یك استفاده است والا علتی نداردکه ما پنجهزار دلار بکمپانی ضرربزنیم متأسفانه تجربهٔ که بنده دارم این است که ما هرچه کمیسرداشتیم نه تنها نتوانسته‌اند اجرای وظیفه بکنند بلکه همیشه پاره‌تقلبات کرده اند که مضربوده‌است بابودن‌دولت‌مرکزی ومراجعه بدولت مرکزی وبابودن وزارت فوائد عامه بنده وجود یك‌نفررابنام کمیسر نفت شمال زائد میدانم علی‌الخصوص که‌ما باید مخصوصاً فوق‌العاده گریزان باشیم از تعیین یك اشخاصی بنام کمیسر که نمیدانم وظائفش چه خواهد بود وحدودمسؤلیتش چه خواهد بود.

اگرمقصود این‌است باویك‌اختیارات وسیعی داده شود گمان نمی کنم‌هیچ دولت ومجلس‌شورای ملی رأی بدهد که‌اختیارات وسیعی بکمیسر داده شود وتنها چیزی که هست این است که اویك واسطه‌ایست‌بین دولت وکمپانی و این واسطه بعقیده بنده زائد است وخود کمپانی‌اعضاء واجزاخیلی دارد که واسطه ما بین او ودولت باشد و محتاج بدیگری نخواهد بود وخودش کار های خودش را انجام خواهد داد ووجود کمیسر اگرضرر نداشته باشدقطعاً منفعت نخواهد داشت

سهام‌السلطانـدرآن‌قسمتی که آقای سردار معظم در باب اختیار کمیسر فرمودند گمان‌میکنم‌در کمیسیون این‌نظر تأمین شده است چنانکه درآخر این‌ماده ملاحظه بفرمائید خواهید دید که نوشته شده است :

(کمیسر نمی‌تواند تعهدی بنام دولت بنماید)

بنابراین از توجه باین قسمت خاطر محترم آقایان مطمئن خواهدشد که کمیسر تا قبلا ازدولت تحصیل اجازه کتبی ننماید نمی‌تواند اقدام بعملیاتی بنماید وبعدازاین که اشکال این قسمت رفع‌شدخاطر آقایان را متذکر میکنم که این یك‌واسطه‌است وهمانطورکه فرمودند کمیسرنماینده ایست که ازطرف دولت‌میرود آنجابرای‌تحقیقات وتفتیشات ورایورت آنها را بدولت تقدیم مینماید.

سردارمعظمـ لزومی‌نداردوزارت فوائد عامه درتهران هست

رئیس ـ رأی میگیریم بقابل توجه بودن این پیشنهاد آقایانیکه قابل توجه میدانند قیام فرمایند

(عده قلیلی قیام‌نمودند)

رئیسـ قابل‌توجه‌نشد.پیشنهاد آقای روحی قرائت میشود

(بمضمون‌ذیل‌قرائت‌شد)

بنده بجای یکنفر کمیسر سه نفررا پیشنهاد میکنم

رئیسـ آقای روحی

(اجازه)

روحیـ بنده معتقدم باینکه‌سه‌نفر کمیسرباشد برای اینکه وقتی که سه نفر باشد اینها بهتر میتوانند درتمام موقع‌به کارهای خودشان رسیدگی کنند وبعلاوه درچهار ایالت‌یکنفر کافی نیست

سردار معظمـ چهار تا پیشنهاد کنید.

روحی ـ خیر سه‌نفرکافی است سه نفر که باشدمواظبند که‌کارهایشان‌رابخوبی ازعهده برآیند ویکنفر کاملا از عهده بر نمی‌آید.

وزیرمالیهـ پیشنهاد آقای روحی تصور نمی کنم‌قبول بشودبرای‌اینکه کمیسر فقط نماینده دولت است برای مذاکرات کلی ولی دریك ماده دیگر بدولت حق هرگونه تحقیق وتفتیش داده شده است و اگر در یکی از مواقع معینه لازم بشود رسیدگی کند بجای سه‌نفر سی نفررا هم میتواند مأمور تفتیش بکند وهیچ مانعی هم ندارد

رئیسـ آقایانیکه‌سه‌نفر راقابل‌توجه میدانند قیام‌فرمایند

(عده‌قلیلی قیام نمودند)

رئیسـ قابل‌توجه‌نشد.پیشنهاد آقای اخگرقرائت میشود

(بشرح آتی‌قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم‌درسطر دوم‌ماده ۲۵ وسطر پنجم کلمهٔ (مراجعه) حذف و (راجعه) نوشته‌شود. در سطر آخر کلمهٔ (خواهند داد) چون اشاره بصاحب امتیاز است غلط است و باید نوشته شود خواهد داد.

مخبرـ این‌غلط عبارتی‌است

اخگرـبلی‌عرض کردم اصلاح‌عبارتی است.

(پیشنهاد آقای دولت آبادی

بشرح زیر قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم مواجب کمیسررا دولت ایران بدهد وکمپانی سالی‌پنجهزار دلاربدهد بوزارت فوائدعامه

رئیسـ آقای دولت‌آبادی

اجازه

دولت‌آبادیـ درقسمت‌نفت جنوب اگرما مراجعه کنیم می‌بینیم‌یك قسمت‌از مفاسدی که تولید شده بواسطه‌همین‌قسمت ها بوده زیرا کمیسر پولش را ازکمپانی میگرفت وخودش رانوکر کمپانی‌میدانست در این‌صورت اگر کمیسری که‌معین‌میشود نوکر ایران‌است باید حقوقش‌راازوزارت فوائد عامه‌بگیرد تااین محظورات‌برطرف شود وما معتقدیم که کمیسروجودش لازم است اما چرا مواجبش را از کمپانی‌بگیرد وخدمت بایران بکند واین پنجهزار دلار را کمپانی بدهد بوزارت فوائدعامه‌آنوقت دولت خودش‌حقوق کمیسررا بدهدو کمیسر بهیچوجه رهین‌منت کمپانی‌نباشد.

وزیرمالیهـ اگرعبارت رابخوانند مقصود ایشان تأمین شده‌است‌زیرامینویسد:

(هرسال توسط صاحب امتیاز بدولت ایران مبلغی که معادل پنجهزار دلار طلا باشد ازبابت حقوق کمیسر پرداخته‌خواهد شد)

رئیسـ رأی میگیریم باین پیشنهاد آقایانیکه قابل‌توجه میدانند قیام‌نمایند

(عده قلیلی قیام‌نمودند)

رئیسـ قابل‌توجه نشد رأی‌میگیریم بماده ۲۵ آقایانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند.

(اغلب قیام نمودند)

رئیسـ تصویب شد.ماده۲۶ میماند برای بعدازتنفس

(دراین‌موقع جلسه برای‌تنفس تعطیل وپس ازنیم‌ساعت‌مجدداً تشکیل گردید)

رئیسـ ماده ۲۶ مطرح‌است‌نسبت بماده ۲۶ کسی مخالف است‌یا خیر؟

آقاسیدیعقوبـ بنده‌یك‌پیشنهادی دارم.

(آقا سیدیعقوب پیشنهادخودرا تقدیم نمودند وبمضمون ذیل قرائت شد)

مقام محترم ریاست ـ بنده پیشنهاد میکنم درصفحه ۲۵ درآخرسطر دهبعداز کلمه ثابت‌الوکاله بین‌الهلالین‌این کلمه افزوده‌شود که تبعه‌مسلمه امریکاباشد

رئیسـ آقای‌آقاسیدیعقوب

(اجازه)

آقاسید یعقوبـ در این عبارت مینویسد :

درصورتی که ثابت شودصاحب امتیاز یا وکیل ثابت‌الوکاله او درایران بنده این مسئله‌راپیشنهاد کردم که‌دربین‌الهلالین نوشته شود وکیل ثابت‌الوکاله که تبعه مسلم امریکا باشد وحالا این‌را اگرآقای مخبرقبول بفرمایند نظربنده تأمین میشود

رئیس ـ رأی میگیریم بقابل توجه بودن‌این‌پیشنهاد آقایانیکه‌قابل‌توجه‌میدانند قیام فرمایند

(عده قلیلی قیام‌نمودند)

رئیسـ قابل‌توجه نشد.رأی‌میگیریم بماده ۲۶

اخگرـ اجازه بفرمائید بنده‌پیشنهاد دارم.

رئیسـ پیشنهاد آقای آقا میرزا جوادخان و آقای قائم‌مقام قرائت میشود

قائم‌مقامـ غلط است بدهیدبیاورند عوض کنم

(پیشنهاد آقای اخگر بشرح ذیل‌قرائت شد)

بنده پیشنهادمیکنم درصفحه۲۶ سطر دوم عبارت چنانکه درماده ۲۹ پیش بینی شده است دربین‌الهلالین قرار داده شود

نصرت‌الدولهـمخبر ـمنافاتی‌ندارد میشود بپذیرفت

رئیسـ آقای‌عدل‌الملك‌هم‌پیشنهادی کرده‌اند در سطر ششم ماده ۱۰ تبدیل میشود بماده۱۱ وماده۱۹ بماده۲۰ تبدیل خواهد شد

(پیشنهاد آقایان آقامیرزاجواد خان وقائم‌مقام بمضمون ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم در سطر آخر بعد ازلفظ درخاك ایران‌علاوه شود

جواد خوئی ـ قائم‌مقام

رئیسـ توضیحی داریدبفرمائید

قائم‌مقامـ محتاج بتوضیح نیست. صاحب امتیاز خیلی دارائی دراسریکادارد آنچه درخاك ایران‌حقوق ودارائی‌صاحب امتیاز دارد مجاناً و بلا عوض باید بدولت ایران تعلق‌بگیرد

مخبرـ پشت سر این‌قسمت توضیح داده شده ومینویسد:

(مثل اینکه بعداز انقضای‌مدت‌طبیعی امتیاز تعلق گرفته باشد) واشاره شده‌است بماده نوزده که بیست میشود ودرآنجا هم این‌مسئله توضیح داده‌شده است

قائم‌مقامـ پس گرفتم

رئیس ـ رای میگیریم بماده بیست وشش آقایانی که تصویب میکنند قیام فرمایند.

(اغلب قیام نمودند)

رئیسـ تصویب شد. رایرت کمیسیون تجدید نظر در قانون انتخابات مطرح است

(بمضمون ذیل قرائت‌شد)

کمیسیون‌تجدیدنظردرقانون‌انتخابات راجع بلایحه تقدیمی وزارت داخله تحت نمره (۷۵۷۷) که از مجلس شورای ملی بکمیسیون مراجعه شده‌بود بعدازمراجعه بقانون انتخابات ومداقه درلایحه مزبوره اینطور اظهارعقیده میکند

هرچند در قانون انتخابات درمورد اختلاف‌نظر بین‌اعضاء انجمن‌نظارت‌راجع باکثریت نسبی واکثریت‌تام‌تصریحی‌ندارد لیکن چون عمل شعب براین بوده‌است که

رعایت سایر شرایط رأی اکثریت انجمن نظارا کافی دانسته‌اند در مورد اختلاف نظر انجمن نظار ارامنه نیز رأی اکثریت که چهار نفر از هفت نفر است قاطع خواهد بود .

رئیس- شاهزاده شیخ‌الرئیس

(اجازه)

محمدهاشم میرزا شیخ‌الرئیس

عقیده بنده این است همانطور که در مجلس شورای ملی اکثریت نصف بعلاوه یك است در انجمن نظارت هم نصف بعلاوه یك باشد وهمان نظریه مجلس شورای ملی تأمین شده باشد بهتر است تا اینکه چهار نفر از هفت نفر معتقد شویم وغالباً گمان میکنم اینطور بوده و بهتر این است که نصف بعلاوه یك باشد که در این مورد عملا پنج نفر باشد .

رئیس- درقانون اساسی نصف بعلاوه یك نیست بیش از نصف حضار نوشته شده اگر میل دارید قانون اساسی قرائت شود .

آقای داور

(اجازه)

داور- بطوریکه از طرف مقام محترم ریاست اظهار شد درقانون اساسی ذکر شده که اکثریت بیش از نصف است و گمان نمیکنم که فلسفه هم داشته باشد که بگوئیم چون چهار نفر نصف بعلاوه یك نمیشود در این صورت باید پنج نفر باشند یعنی نصف بعلاوه یك نفر و نم ونتیجه این میشود که عملا رأی سه نفر حاکم باشد بر رأی چهار نفر برای اینکه همین قدر که سه نفر مخالف شدند وچهار نفر موافق نظر آن چهار نفر از بین میرود وبرای اینکه نظر آنها بموقع اجرا گذاشته شود باید سعی کنند که یکی از آن سه نفر را باخودشان موافق کنند وبواسطه همین چیزها بود که وزارت داخله این سؤال را کرد و تصور میکنم درشعبات و کمیسیونهای مجلس هم عمل براین بوده است که هروقت شش نفر از یازده نفر بیك قضیه رأی میداد آن را اکثریت میدانستند بنا براین بنده دلیلی نمی‌بینم که برای قانون انتخابات وانجمن نظار یك قانون مخصوصی وضع شود

رئیس- شاهزاده شیخ‌الرئیس

(اجازه)

شاهزاده شیخ‌الرئیس- در انعقاد رسمیت مجلس قاعده این بود که نصف بعلاوه یك باشد

رئیس- در کجا نوشته شده است؟

شیخ‌الرئیس- یك همچو چیزی به نظر من آمد ولی ممکن است اشتباه شده باشد بهرحال ماده را بخوانند تا معلوم شود .

حائری‌زاده- اجازه میفرمائید

رئیس- بفرمائید

حائری زاده - علاوه بر اینکه فرمایش حضرت والا تصریحی در قوانین ندارد عمل مجلس هم بر خلاف این بوده است .

راجع به پور رضا اگر نظر آقایان باشد اکثریت نصف بعلاوه یك نبود در کمیسیونها وشعبات هم عمل همینطور است در انتخابات اغلب نقاط وقتی چهار نفر از نظار رای بیك طرف میدادند دیگر تردیدی در انتخابات نبود وبعقیده کمیسیون این سؤال هم چندان محل حاجت ولزوم نبود ومطلب واضح بود وگمان نمیکنم محتاج برای باشد

(جمعی گفتند مذاکرات کافی است)

رئیس- رای که نمیگیریم

شاهزاده شیخ‌الرئیس- درقانون اساسی که رای نمیگیرند

رئیس - لایحه قانونی سجل احوال تابحال تکلیفش معلوم نشده است که بکدام کمیسیون مراجعه شود وتکلیف آنرا هم باید معین بفرمائید

(بعضی گفتند کمیسیون عدلیه بعضی گفتند کمیسیون داخله)

رئیس- کمیسیون داخله وعدلیه شنیده شد اول رای میگیریم بکمیسیون داخله آقایانی که تصویب میکنند بکمیسیون داخله مراجعه شود قیام فرمایند

اکثر نمایندگان قیام نمودند

رئیس - تصویب شد . پیش نهادی ازطرف آقای سردار معظم رسیده است

ضیاءالواعظین- بنده در دستور عرضی دارم

رئیس- بفرمائید

ضیاء الواعظین - بنده استدعا میکنم آن لایحه مستعری صاحبمنصبان وزارت جنك را مقدم بدارند

داور- بنده در دستور عرضی دارم

سردارمعظم- بنده عرضی دارم

رئیس- بفرمائید

سردارمعظم- با تقاضای یك نفر نمی‌شود دستور را تغییر داد ومطابق نظامنامه داخلی باید تکلیف این پیشنهاد معین شود یعنی باید خوانده شود وارجاع بشعب شود ونمی‌شود با تقاضای یك نفر ترتیب را تغییر داد .

رئیس - اشتباه فرمودید این مسئله جزو دستور بود که ایشان تذکر دادند

سردارمعظم -پیشنهاد بنده باید خوانده شود .

تکلیفش معین شود یعنی ارجاع شود بکمیسیون یا هرجائی که لازم باشد واینقسمت را بنده حق دارم

رئیس-خیر اینطور نیست دستوری در جلسه گذشته معین فرمودید که الان بعرض میرسانم .

اولا لایحه فقط بعد راجع بقسمتی که ازطرف وزارت داخله سؤال شده بود در درجه سوم پیشنهاد جنابعالی راجع بطبع وتوضیح صورت مجلس که هنوز راپورتش حاضر نیست بعد لایحه پوست بره که تازه توزیع شده .

مطابق نظامنامه نمیشود جزو دستور باشد وبعد در درجه پنجم راجع بصاحب منصبان وزارت جنك بود که بنده اشتباه کرده بودم وحالا که تذکر دادند باید مطرح شود پیشنهاد جنابعالی هم خوانده خواهد شد

سردارمعظم قصد بنده هم همین بود راجع بدستور عرض نداشتم

رئیس - راپورت کمیسیون بودجه راجع بحقوق صاحبمنصبان وزارت جنك مطرح است

(بشرح آتی قرائت شد)

کمیسیون بودجه لایحه نمره ۲۱۴۲۲ وزارت جلیله جنك را درجلسه ۳۲ روز و سوم سرطان مورد بحث ودقت قرار داده با حضور نماینده وزارت جنك با بامراجعه بسوابق و تحقیقات لازمه مواد ذیل را تهیه وبرای تصویب تقدیم مجلس شورای ملی مینماید

ماده اول-مجلس شورای ملی تصویب می‌نماید .

که وزارت مالیه ازابتدای حمل هفده السنه سیچقان ئیل ۱۳۰۳ همه ساله مادام العیوة مستمریات شخصی صاحبمنصبان و اعضاء قدیمی وزارت جنك را بشرح زیر بطور ماهانه بدون کسر و نقصان بپردازد .

ماده دوم -مجلس شورای ملی تصویب می نماید

که وزارت مالیه ازابتدای عمل سیچان ئیل ۱۳۰۴ همه ساله مادام العیوة مستمری وراث صاحبمنصبان مستوفی وزارت جنك سابق رامطابق زیر ذیل بدون کسر ونقصان کارسازی نماید

رئیس -مذاکرات راجع بکلیات است مخالفی نداود

گفته شد خیر

رئیس رأی میگیریم برای ورود در شور مواد

آقایانیکه تصویب میکنند وارد در شور موادشویم قیام فرمایند

اکثر قیام نمودند

رئیس-تصویب شد ماده اول مخالفی ندارد .

بعضی ازنمایندگان خیر

رئیس رای میگیریم بماده اول کسانیکه تصویب میکنند قیام نمایند

اکثر برخاستند

رئیس تصویب شد .

راجع بماده دوم چطور ؟ مخالفی نیست ؟

گفته شد خیر

رئیس رای میگیریم بماده دوم تصویب کنندگان قیام فرمایند

غالب نمایندگان

قیام نمودند

رئیس تصویب شد در کلیات هم مخالفی نیست .

(بعضی ازنمایندگان خیر)

رئیس - رأی گرفته میشود بدوماده با ورقه آقایانیکه تصویب میکنند ورقه سفید والاورقه کبود خواهند داد .

قبلا بآقایان تذکر میدهم اشخاصیکه اوراق رأی همراه ندارند وروی کاغذ مینویسند اگرچه سفید باشد باید مخصوصاً بنویسند سفید و الا محسوب نمیشود بعد امضاء هم فرمایند یعنی اسم خودشان رابنویسند .

(پس ازاخذ و استخراج آراء نتیجه بقرار ذیل حاصل گردید)

اوراق سفید علامت تصویب شصت وشش سایر اوراق بیست ودو .

رئیس - عده حضار نود وشش با اکثریت شصت وشش رأی تصویب شد آقای قائم‌مقام الملك پیشنهاد کرده‌اند راپورت کمیسیون فقط نسبت بسه ماده که مراجعه شده بود و راپورتش را داده‌اند مطرح شود .

ملك‌الشعراء - هنوز توزیع نشده است .

رئیس - چرا مدتی است توزیع شده است مخالفی ندارد مطرح شود ؟ یکنفر از نمایندگان - خیر .

رئیس - ماده هشت مطرح است .

حائری زاده - بفرمائید قرائت شود .

(بشرح ذیل قرائت شد)

ماده هشتم - پس ازملاحظه اصلاحات پیشنهادی نمایندگان محترم کمیسیون با موافقت نظر دولت تبصره پیشنهادی آقای شریعت‌زاده رابامختصر اصلاحی پذیرفته و الحاق آن رابمضمون ذیل بماده مزبور پیشنهاد مجلس مینماید .

تبصره - هر گاه در اراضی منتخبه معادن دیگری که مشمول این امتیازنامه نباشد کشف شود دولت حق استخراج و استفاده ازآن واعطاء امتیاز آنرا خواهد داشت مشروط براینکه عملیات راجعه بآن معادن کمپانی را ازعملیاتی که بموجب این امتیازنامه برای استخراج مواد نفطی ضرورت دارد ممنوع ننمایند .

رئیس – مخالفی ندارد؟

(گفته شد خیر)

رئیس - رأی میگیریم بماده هشت با این تبصره آقایانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند .

اکثر نمایندگان برخاستند

رئیس - تصویب شد . ماده یازده قرائت میشود .

بشرح ذیل قرائت شد

ماده یازدهم - پس ازمطالعه اصلاحات پیشنهادی نمایندگان محترم وتبادل نظر با آقایان پیشنهاد کنندگان کمیسیون یازده اصلاحات عبارتی را دراین ماده پذیرفته و بمضمون ذیل ماده یازده را برای تصویب تقدیم مجلس می‌نماید .

ماده یازدهم - این امتیاز که در تمام

مدت آن بکمپانی معتبر و مستقل امریکائی متعلق است به هیچ دولت یا شرکت خارجی یا یك یا چند نفر اتباع خارجه به هیچ قسم و ترتیبی قابل انتقال نیست .

دولت بصاحب امتیاز اجازه میدهد که یك یا چند کمپانی یا شرکتهای فرعیه که تبعهٔ ایران یا امریکا باشند در تحت قوانین ایران ویا درتحت قوانین یکی از ممالك یا قطعات دول متفقه امریکا تشکیل داده حقوق معینه را که بموجب این امتیازنامه دارا میباشد کلاما بعضاً بآنها واگذار نماید و قبلا تشکیل آنهارا واینکه درتحت قوانین کدام مملکت تشکیل شده بوزارت فوائد عامه در تهران اطلاع دهد ولیکن شرط است که صاحب امتیاز کنترول واداره کردن کمپانی یا کمپانیها وباشرکتهای فرعیه آنها را در تمام مدت امتیاز تصدی نموده وهمچنین در تمام مدت مزبور مشاغل وخدمات راجعه باداره و عملیات اجراعیه را در ایران باتباع امریکائی یا ایرانی محول نماید درصورت عدم رعایت این ترتیب امتیاز ملغی خواهد بود بعلاوه صاحب امتیاز ملتزم است درتمام مدت امتیاز کلیه سرمایه و اسهام کمپانی یا کمپانیها و یا شرکتهای فرعیه مذکوره آنها راماطلقاً مالك ومتصرف باشد باستثنای قسمتی از سهام که برای دولت و اتباع ایران تخصیص داده شده و الا این امتیاز ملغی خواهد بود .

سهام مذکوره دولت و اتباع ایران ممکن است تاسی درصد از تمام سرمایه که برای اجرای این امتیاز بکار برده میشود بالغ گردد بنابراین هردفعه که کمپانی یا کمپانیهای مذکوره فوق یاشرکتهای فرعیه آنها اقدام بانتشار اسهام بنمایند دولت و اتباع ایران در مدت یکسال از تاریخ اخطاریکه دراین باب توسط صاحب امتیاز بوزارت فوائد عامه درتهران خواهد شد حق خواهند داشت که جمعاً تامیزان سی درصد از اسهام مزبوره را بقیمت اسمی (قیمت معینه روی اسهام) خریداری نماید ومقرر است که صاحب امتیاز هم قسمت اسهام خود را بهمان قیمت خریداری نماید روی اسهامی که برای دولت واتباع ایران تخصیص داده میشود باید قید شود که سهام مزبوره بغیر از دولت ایران یا صاحب امتیاز بدیگری انتقال داده نخواهد شد .

هرگونه انتقال و واگذاری حقوق صاحب امتیاز بهریك از کمپانی‌ها وشرکتهای فرعیه آنها که مطابق مفاد این ماده بعمل آید در وزارت فوائد عامه درتهران ثبت شود وهراقدامی که مطابق این امتیازنامه توسط هریك از کمپانیها یا شرکت‌های فرعیه مزبور که صاحب امتیاز خود را کلاما بعضاً بآنها انتقال داده باشد بعمل آید چنین تلقی خواهد شد که آن اقدام از طرف صاحب امتیاز بعمل آمده است .

رئیس - آقای مشارالاعظم .

(اجازه)

مشارالاعظم - این ماده وقتی که مطرح شد بنده نسبت بدو قسمت آن اظهار نظر کرده بودم یکی راجع بشرکتهای فرعیه که عرض کردم اگر ملیت آنها معلوم نشود ما بآن مقصودیکه داشته ایم که این امتیاز فقط بکمپانی امریکائی تفویض شود نمیرسیم وما رامحروم خواهند داشت دراین قسمت کمیسیون محترم توجه فرموده و نوشته‌اند شرکتهای فرعیه که تبعه ایران یا امریکا باشد این دافع محظور بنده شد وخیلی اسباب تشکر است که آقایان نمایندگان باین مسئله نظر داشته اند و کمیسیون محترم بطوریکه همه آقایان نمایندگان منتظر بودند ماده را درست کرده است درقسمت دیگر که نوشته بود (روی اسهامی که برای دولت و اتباع ایران تخصیص داده می شود باید قید شود که اسهام مزبوره بغیر از دولت ایران یا اتباع ایران یا صاحب امتیاز بارعایت تقدیمی که ذکر شده بدیگری فروخته و انتقال داده نخواهد شد)

بنده آنروز شرحی عرض کردم مخبر محترم در جواب فرمودند منظور از این قید جلوگیری از یارهٔ احتمالات بوده است و تصور می‌فرمودند که اگر اینطور قید نشود ممکن است از طریق اتباع داخله یك اسهام کلی خریداری بشود برای تبعه خارجه که بر خلاف منظور ما خواهد بود .

باین مقصود خود بنده هم توجه داشتم وتصدیق میکنم همینطوریکه ایشان فرمودند این مسئله ممکن است صحت داشته باشد اگرچه ممکن بود بوسیله قوانین دیگری از اینکار هم منع کرد و در امتیاز نامه ذکری از این موضوع نکرد ولی چون خواستند در این امتیازنامه این مسئله تصریح شده باشد ایراد باصل قضیه وارد نیست ولی یك مسأله دیگری که قابل توجه است این استکه باید همه بدانند دولت ایران این امتیاز نامه را باختیار خودش بکمپانی آمریکائی تفویض کرده است اجبار والزامی برای این قضیه نداشت خود دولت ایران در میان ملل دنیا که همه طالب اخذ این امتیاز بودند و همه در گرفتن این امتیاز جدیت داشتند آمریکائیها را انتخاب کرده و مناسب دانست که امتیاز را بآنها واگذار کند و البته ایرانی و دولت ایران راجع بملك خودش و آنچه متعلق بایران است اختیار کامل داشته ودارد .

و بعضها هم خواهد داشت ما برای رعایت مصالح عمومی دنیا نه تنها برای رعایت مصالح خود مان مناسب دانستیم که امتیاز نفت را بدهیم به امریکائیها و آنهارا دراینکار دخیل بکنیم .

راست است که ما این اول قدم است که درراه اصلاح اقتصادیات ودادن امتیاز معادن مملکت خودمان برداشته ایم وحالا میرویم بآن مراحل آخری برسیم وامیدواریم مسئله بطوریکه انتظار میرود صورت بگیرد ولی مسئله که هست این است که دولت ما که خودش اختیاردار بوده است درمایملك خودش و ازروی رضا ورغبت این امتیاز را بکمپانی امریکائی واگذار کرده است این برخلاف شأن و جلال و شوکت اوخواهد بود که خودش را در برابر یك کمپانی امریکائی اینطور مقید بکند ویقین است که دولت ایران خودش متوجه بوده است که امتیاز او بدست امریکائی باشد لاغیر دیگر چه ضرورت دارد که در برابر یك کمپانی تعهد کند که روی سهم دولت ایران قید شود که اسهام مزبوره بغیر ازدولت ایران یا اتباع ایران یا صاحب امتیاز بدیگری تسلیم نشود اولا این عبارت اساساً معنی نخواهد داشت که خود دولت ایران تعهد بکند که سهم دولت ایران بغیر از دولت ایران بدیگری انتقال داده نشود باز اگر دولت ایران تعهد کند که سهم اتباع ایران بغیر از دولت ایران بدیگری منتقل نشود یك معنائی دارد ولی دولت ایران درمقابل کمپانی خارجه چطور می تواند چنین تعهدی بکند ؟

این برخلاف جلال وشأن دولت ما خواهد بود دولت ما هرگز نمی‌تواند این قید را بکند شأن وشوکت دولت ما خیلی با اهمیت‌تر ازهر منفعتی است که ماتصور می کنیم باید رعایت شأن و شوکت دولت را کرد دولت هرگز در مقابل کمپانی آمریکائی نباید همچو تعهدی بکند

اگر درقسمت اتباع ایران چنین قیدی بشود عیبی ندارد و بنده ایرادی نخواهم داشت ولی نسبت بدولت این قضیه را بنده بکلی مخالفم .

مخبره اینجا اولا آقایان باید متذکر باشند که دولت هیچ نوع تعهدی درمقابل کمپانی نمیکند این یك قانونی است که دولت مقرر میکند .

این قانون الزام آور است برای کمپانی وبرای دولت واتباع ایران بعلاوه اینطوری که عبارت نوشته شده اگر در اصل عبارت دقت بفرمائید اعتراض آقای مشار اعظم را بکلی رفع میکند نوشته است :

(روی اسهامی که برای دولت واتباع ایران تخصیص داده میشود باید قید شود) روی آن اسهام باید قید شود(که اسهام مزبور بغیر از دولت ایران یا اتباع ایران یا صاحب امتیاز با رعایت تقدمی که ذکر شده ...)

یعنی اول دولت ایران بعد اتباع ایران بعد صاحب امتیاز (بدیگری فروخته و انتقال داده نخواهد شد) این نه از نقطه نظر این بوده است که اتباع ایران یا دولت ایران اینجا تعهدی بکند بلکه از نقطه نظر این است که چون سهم دولت ایران کاغذ است وممکن است دست هر کسی بیفتد ویهلوی هر کس باشد بمجرد اینکه کسی باین عبارت در روی کاغذ نوشته شده چشمش بیفتد میفهمد که اگر فع ازایرانی وغیر از کمپانی وغیر ازدولت کسی دیگر آنرا بخرد اعتبار نخواهد داشت این اصل مقصود ما است واگر دراصل مقصود ما اعتراضی هست البته دلائلی دیگر باید برایش ذکر کنیم. دراین ماده تصور میکنم چند اصلاح دیگر لازمست بشود .

یکی اینکه در هفت جا جمع سهم اسهام نوشته شده ودربعضی جاهای دیگر سهام چون سهام صحیح تر است اسهام تبدیل شود بسهام ...

مدرس -خوبست عکس شود . سهام تبدیل شود باسهام چون سهام جمع سهم بمعنی تیراست .

مخبر -یکی دیگر : درسطر سیزدهم صفحه ۳ بجای شرکتهای فرعیه مزبور شرکتهای فرعیه مزبوره نوشته شود .

رئیس-آقای یاسائی هم پیش نهاد کرده اند که اسهام تبدیل بسهام شود .

مخالفی ندارد؟

(اظهاری نشد)

رئیس - رأی می گیریم بماده یازدهم.

حائری زاده - بنده پیشنهاد دارم.

رئیس - پس ماده سیزدهم قرائت میشود .

ماده یازده را بعد رأی میگیریم.

حائری زاده - دارم مینویسم الان تمام میشود .

رئیس- خوبست پیشنهادها را آقایان قدری زود تر بدهند که اسباب معطلی نشود .

(پیشنهاد آقای حائری زاده بشرح ذیل خوانده شد)

حائری‌زاده پیشنهاد میکند که تبصره ذیل بمادهٔ یازده اضافه شود :

دولت ایران اگر صلاح داند بااجازه مجلس شورای ملی سی درصد اسهام خود را کلا ام بعضاً باتباع دول غیر هم جوار انتقال دهد .

مخبر - دو باره بفرمائید قرائت شود .

(مجدداً بشرح سابق خوانده شد)

رئیس - توضیح بفرمائید .

حائری زاده - اصلا باید از نقطه نظر مردم قانون بنویسیم یا از نقطه نظر عمل ؟

سی درصد ازاسهام را دراین قانون اجازه داده اند وقرارداد کرده اند باصاحب امتیاز که اگر دولت واتباع ایران بخواهند خریداری کنند حق داشته باشند .

ما اطلاع ازخودمان داریم واطمنان داریم که اتباع دولت ایران امروز پول بیکار ندارند که اسهام خریداری کنند واگر

خریداری این حق را ما ازدست‌خودمان داده ایم صاحب امتیازهم منتقی ابواب‌جمع ما کرده است که چنین حقی بما داده ما هم که پول برای استفاده از آن نداریم لذا بایدقانون را طوری بنویسیم که اگر دولت ایران بکوقت صلاح دانست ببعضی ازشرکتهای اروپائی از قبیل فرانسوی- هلندی- بلژیکی یا جای‌دیگر اجازه‌بدهد این اسهام را خریدی کنند صاحب امتیاز نتواند مانع بشود واین حق ازدولت‌ایران سلب نشود وما حق داشته باشیم اتباع‌یك دولت غیر همجواررا شرکت بدهیم واین صدی سی‌اسهامی که‌بخود ما تخصیص داده شده است این حق را منظور بداریم که اگر پول نداریم خودمان بخریم اجازه بدهیم بدیگران که خریداری کنند.

مخبر - واگذار بنظر مجلس است کمیسیون نمیتواند بپذیرد.

رئیس-آقایانی که این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام نمایند.

(بعضی‌از نمایندگان‌برخاستند)

رئیس - قابل توجه نشد. پیشنهاد آقای عدال‌الملك.

(بشرح آتی قرائت شد)

بنده پیشنهادمیکنم که درماده‌یازدهم سطرهفده بجای (والا این امتیاز ملغی خواهدبود) نوشته شود (والا دولت‌ایران میتواند این امتیاز را الغاء نماید)

عدل‌الملك - اجازه میفرمائید؟ وقتی دریك‌قضیه شرایطی پیشنهاد میشودطرف درصورت تخلف ازآن شرایط حق‌فسخ والغاءآن قضیه را دارد ولی‌ملزم نیست و بعبارت اخری مختار است که اعمال این حقش را بکند یا نکند برای اینکه بعضی اوقات هست که تخلف ازشرط میشود ولی طرف صرفه خودش را در این می‌بیند که باین حقش عمل نکندمثلا فرض‌بفرمائید بنده یك اجازهٔ منعقد میکنم شر طی هم هست حق فسخی هم برای موقع تخلف ازشرط هست وتخلف ازشرط‌هم میشودو بنده هم بنا برآن شروط حق فسخ دارم دارم ولی مصالح بزرگتری مرا منع از فسخ میکندوالبته اولی آنست که دراختیار باشد.

بنا براین گمان می کنم اگر بجای (ملغی خواهد بود بنویسم (دولت میتواند ملغی‌نماید) ترجیح دارد.

(ازطرف بعضی نمایندگان - صحیح است).

مخبر- این نظر آقای عدل الملك کلیت ندارد.

دربعضی‌شروط همینطور که‌میفرمائید اختیار رابایدبرای‌موقع تخلف‌نگاهداشت ولی دربعضی شرایط باید از اول این الغاء را مقرر داشت مخصوصاً در جاهای مهم از قبیل قراردادها و امتیاز نامه ها و تعهد ها اینطورمیکنند ودراین امتیازنامه این شرط اساسی‌است که تمام سرمایه باید بدست خود کمپانی سینگلر باشد ازبرای اینکه بدست دیگران نیفتد باین ملاحظه ازحالا باید بگوئیم در صورت عدم‌رعایت این شرط امتیازملغی خواهد بود و این را نگذاریم باختیار اشخاص که شاید نقطه نظرشان غیرازنقطه نظرامروزباشد.

عدل‌الملك - بنده قانع شدم.

آقا سید یعقوب - پیشنهاد شان را پس گرفتند.

رئیس-پیشنهادآقای مشاراعظم.

(بشرح ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم ازعبارت (روی سهامی که برای‌دولت واتباع ایران‌تخصیص داده میشود) کلمهٔ (دولت) بر داشته شود واین قید فقط بر روی سهامی که اتباع ایران خریداری‌مینمایند باشد.

رئیس- بفرمائید.

مشار اعظم - بنده توضیحاتم در آن قسمت اول‌عرض کردم ولی مقصودم اینست که درروی سهام دولت قید نکنند وآن عبارت نوشته نشود که این مخصوص‌دولت است‌بعبارت اخری سهام دولت‌آزاد باشد ولی سهام اتباع ایرانرا بایدمقید کرد.

مخبر-اولا این صد سی معین نیست چقدرش را دولت میخرد و چقدر اتباع میخواهند بخرند که اسهام مخصوصی بقدر معینی چاپ بکنندآنوقت بهر کسی که میدهند معین باشد. سهامی است چاپ میشود یك شکل ویك نواخت با این قید هر کس خرید خرید.

ثانیا بنده نمی فهمم چه عیب دارد که سهم‌دولت‌مقید باشد که نتوان‌بخارجی فروخت مخصوصاً مقصود ما این بوده‌است که درسهم دولت هم یك‌قیدی‌باشد.

رئیس-آقای‌حاج‌عزالممالك

(اجازه)

حاج عزالممالك - بنده‌مخالفم.

رئیس- با پیشنهاد.

حاج عزالممالك -بلی‌رای‌بگیرید.

رئیس- رای میگیریم.

آقایانیکه این پیشنهاد را قابل‌توجه میدانند قیام فرمایند.

(چند نفری قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد.

رای گرفته‌میشود بمادهٔ یازده‌تصویب کنندگان قیام فرمایند.

(اکثرنمایندگان‌برخاستند)

رئیس - تصویب شد.

مادهٔ سیزده.

(بشرح‌ذیل‌قرائت شد)

مادهٔ ۱۳ (۱) اصلاح پیشنهادی شاهزادهٔ شیخ‌الرئیس در باب تصاعد حق دولت ازبابت منافع اضافی بتناسب تصاعد آن منافع ازصد پانزده ببالادر کمیسیون تحت مطالعه درآمده چون نماینده دولت با قبول این اصلاح مخالف بود و آنرا موجب اشکال اساسی و تأخیر انجام امر امتیاز نفط میدانست لهذا اکثریت افراد کمیسیون مخصوص امتیاز نفط نفط نیز با نماینده دولت موافقت نموده اصلاح مزبور را رد کردند.

(۲) اصلاح پیشنهادی آقای مدرس را درتبصره دوم مادهٔ سیزدهم کمیسیون تحت مطالعه در آورده و با توافق نظر نماینده دولت‌آن اصلاح شده ذیلا برای تصویب‌بعرض‌مجلس میرساند.

تبصرهٔ دوم - (مادهٔ سیزدهم)مقصود ازجمله (سرمایه مصروفه) مذکوره‌درفوق کلیهٔ سرمایه ایست که برای این امتیاز توسط کمپانی‌یا کمپانیهایا شرکتهای‌فرعیه بکاربرده شده ودرآخرهرسال معین‌خواهد شد اعم ازاینکه ازفروش سهام یا قرض باشد یا ازآن قسمتی ازمبافع حاصله که حاصله که بعد ازتأدیه حق دولت بسرمایه افزوده شده وبرای اجرای یان امتیازبکار برده شده باشد.

ازسرمایه مذکوره باید مطابق‌فقره سوم تبصره یك کلیه استعمالی یعنی کسور ازاستعمال که‌هرسال تحقیق یافته موضوع بشود.

رئیس- شاهزاده شتخ‌الرئیس.

(اجازه)

شیخ‌الرئیس - بنده خیلی میل‌داشتم نماینده دولت تشریف میداشتند که توضیح بدهند بچه‌علت‌پیشنهاد بنده را رد کردند برای اینکه این چیزی که اینجا نوشته است واشاره کرده که بعداسباب اشکال میشود چون دلیل نیاورده‌است‌بیشتر اسباب جلب سوء ظن میشود چرا اسباب اشکال میشود چرا اسباب اشکال خواهد شد؟این پیشنهاد باسایرپیشنهادها چه فرق دارد که اسباب اشکال میشود اگرمقصود اینست که کمپانی قبول نمیکند ماکه نماینده کمپانی را ندیده ایم ونمیدانیم که دولت با اعضاء کمیسیون با نماینده کمپانی نشسته اند مذاکره کرده اند یا نکرده اند در هر صورت اگر کمپانی حاضرنیست قبول کند که چندین مرتبه‌آقایان نمایندگان اینجا گفتند که اگر پیشنهاد های ما مؤثر در موضوع‌هست‌پیشنهاد کنیم‌واگردرموضوع نیست وقت خودمان را هدر نکنیم جواب داده شدن که خیراغلب در پیشنهادهائی که قابل توجه میشودبا نماینده کمپانی‌مذاکره میکنیم.

حالا کمیسیون مینویسد برای‌موافقت با نماینده دولت ولی اظهارعقیده دیگری نکرده‌اند فقط نوشته برای موافقت با نماینده دولت وتنها دلیل‌نماینده دولت‌این بوده که‌اسباب‌اشکال میشود پیشنهادومطلب باین مهمی‌را که‌مجلس شورای ملی‌تصویب کرده است بمجرد این حرف نمیشود. (فرضاً هم با نماینده کمپانی مذاکره کرده باشند) صرف نظر کرد وقبول‌نکرد.

پارسال (یعنی دردوره چهارم) که این قانون مطرح‌بود درصورتی که کمپانی اینجا نماینده‌هم نداشت‌برای هرپیشنهادی که میشد تلگراف میکردند بامریکا.

حالا با اینکه کمپانی اینجا نماینده دارد (یا ندارد نمیدانم) اینقدرراهم‌مراجعه نکرده اند.

اگرمراجعه کرده‌اندبایدبیشترتوضیح بدهند که چطورموجب اشکال خواهد شد ولی اگربمجرد احتمالی است که نماینده دولت‌میدهد برای که اکثریت مجلس‌قابل توجه دانسته این جواب‌کافی‌نیست.

مخبر- همانطور که شاهزاده‌فرمودند آقای وزیرمالیه اینجا تشریف ندارند که جواب بدهند ولیکن‌اصل علت اینکه‌اعضاء کمیسیون هم بیش ازاین مقاومت نکردند واصرارنکردند برای اینکه نماینده دولت را ملزم بیك مذاکراتی در این موضوع کنند.

همان عللی بود که درجلسه اسبق که که مطلب درمجلس مطرح بود ذکر شد چون این میزان تصاعدی خصوصاً از صد پانزده ببالا چیزی است که بنظربعیدمیآید وباین ملاحظه اعضاء کمیسیون نخواستند دراینجا مطلب را مفصل کرده باشند ودر عقیده دولت‌مقاومت زیاده کرده باشند‌والا نظرحضرت‌والارا‌تصدیق‌میکنم‌ازپیشنهادی که اکثریت مجلس‌آنرا قبول کرده است دفاع بیشترازاین لازم بود بشود واعضاء کمیسیون وافرادی که در آنجا عضویت دارند وظیفه دارند که در مقابل اظهار دولت دررد‌آن بیش از این دلیل مهمی ذکر شود ولی این مطلب بنظر اعضاء کمیسیون هم چیزی نیامد که خیلی عملی باشد.

رئیس - رای میگیریم.

مشار اعظم - بنده با این قسمت مخالفم.

رئیس - اجازه که نخواسته‌اید.

بعضی ازنمایندگان- مذاکرات کافی است).

رئیس کافی‌است؟

(جمعی از نمایندگان - بلی کافی است)

(بعضی دیگر-رای بگیرید)

رئیس- (خطاب بمشار اعظم)اگربا کفایت‌مذاکرات مخالفت‌دارید بفرمائید.

مشاراعظم -نه خیر باخود ماده باین طرزمخالفم باید عرضم دا بکنم.

مخبر- اصلاحاتی قبل از ربی گرفتن بعرض‌میرسابم.

در این ماده در بعضی جاها سهم دولت نوشته شده است باید حق دولت نوشته‌شود..

(بعضی نمایندگان - کجا؟سهم‌دولت؟ چطور)

مخبر -میفرمائید ذکر کنم. درچهار پنج‌جا است که سهم‌دولت نوشته‌شده‌یکی دراول‌ماده:

(سهم‌دولت از بابت این این امتیاز لااقل... الرآخر)باید (حق دولت) بشود بعد در صفحه سیزده سطر دوم

سهم‌دولت نوشته مبدل بحق دولت میشود در سطر چهارم هم‌هرگاه منافع اضافی مابین‌شصت‌وهفتاد وپنج درصد از سرمایه مصروفه باشد سهم دولت ...) می‌شود (حق دولت صدبیست‌و یك ازمنافع‌خالص) بازهمان‌صفحه‌سطر نوزدهم...

رئیس - خوب بهمین ترتیب اصلاح میشود هرجا لفظ (سهم) هست به (حق) تبدیل‌میشود.

آقایانی که مادهٔ سیزده را باتبدیل لفظ(سهم)بلفظ(حق) درتمام مواضع‌قبول میفرمایند‌قیام‌میفرمایند.

(اکثرنمایندگان‌برخاستند)

رئیس تصویب‌شد.پیشنهادآقای‌سردار معظم‌قرائت‌میشود:

(بشرح آتی‌خوانده‌شد)

بساحت‌محترم‌مجلس‌شورای‌ملی

دراین‌موقع که بودجه هم از طرف دولت بکمیسیون بودجه ارسال شده‌است‌و کمیسیون مشغول مطالعه در آن است پیشنهاد ذیل‌را بعرض نمایندگان محترم میرسانم:

چنانچه نمایندگان محترم مسبوق هستند بودجه‌هائی که تنظیم وتدوین شده است.

از نقطه نظر ادارات و مؤسسات موجوده بوده‌وعوائد مملکتی مابین‌همان ادارات تقسیم‌شده است در صورتی که‌بر کسی پوشیده نیست که تمام ادارات از حیث‌اهمیت و احتیاجات مملکتی درعرض هم نبوده و برای ترقی مملکت لازم‌است که نسبت ببعضی‌ازآنهاتوجه‌بیشتری‌مبذول گردد و این مقصودرا البته‌درضمن‌تدوین وتهیه‌بودجه‌بایدتأمین کرد.

اگر مجموع مخارج مملکتی‌درنظر گرفته‌شود باید تصدیق نمائیم که‌بعضی‌از آنها مخارجی‌است که‌خودداری‌ازآنهاصدمه مستقیم بترقی و آبادی مملکت رسانده و بعضی از آنها دردرجه دوم از لزوم‌واقع خواهندبود.

البته هیچکس لزوم مصارف ومخارج قواء تأمینیه مملکت را در ردیف‌حکام‌بی وظیفه وحدودمسئولیت و اختیارات قرار نداده ویاحفظ‌الصحه و تعلیمات عمومی‌و ساختن راهها را در قبال تأسیسات ناقص قضائی نخواهد گذارد اگر بخواهیم مصارف مملکتی را بترتیب الاهم فالاهم تشخیص دهیم باید معتقد به‌نمرهٔ ترتیب‌ذیل‌بشویم.

(۱) تقبلات خارجی مملکت از قبیل قروض‌وسایر تقبلات‌مالی.

(۲) قواء تأمینیه اعم از قشون و نظمیه.

(۳)حفظ‌الصحه‌عمومی.

(٤)تعلیمات‌عمومی.

(٥)راهها.

(٦)اصلاحات‌فلاحتی.

(۷) مخارج‌مجلس‌شورای‌ملی-دربار. ریاست‌وزراء مستشاران آمریکائی‌وظایف ومخارج‌پیش‌بینی‌نشده.

(۸) سایر مصارف مملکتی درحدود عوائدموجوده.

اهمیت قوه اول و دوم نمرهٔ ترتیب معروضه محتاج بذکر نبوده در باب فقرهٔ که‌حفظ‌الصحه عمومی‌است لازم‌است که‌چند کلمه گفته شود.

بر کسی پوشیده‌نیست که شرط‌حتمی صورتیکه‌ترقی‌مملکت‌ازدیادسکنه آن‌است‌در متأسفانه که مملکت شدت مرك‌و میر و امراض مختلفه که خورد و بزرك این مملکت را از بین میبردبدرجه ایست که سکنه‌ایران سال‌بسال‌در تزاید نبوده‌بلکه درنقصان‌است.

عدهٔ‌اطفال‌ایرانی که همه‌ساله ازآبله‌و سایر امراض تلف‌میشوند بقدری‌زیاداست که‌انسانرا مرتعش‌مینماید.

اگر چه ما معتقد هستیم که سکنه ایران سی کرور است ولی هیچ نوع مدرکی برای اثبات این‌ادعا در دست نیست و حقیقة سکنه ایران وسیع خیلی کمترازاین‌است.

در صورتیکه همین ایران کهن‌سال سال در خود سکنه خیلی بیش‌ازحالیه را دیده‌و استعداد گنجاندن‌ده‌مقابل‌سکنه‌حالیه رادارد.

کسانی که مختصر آشنائی بااوضاع حفظ‌الصحه خارج از تهران وزیادی مرك ومیرخوردو بزرك‌ازامراض مختلفه‌دارند‌این عقیده‌راتصدیق‌خواهند کرد.

بنابراین لازم‌است که مجلس‌شورای ملی ودولت توجه مخصوص بحفظ الصحه عمومی مبذول نموده وموجبات حفظ‌اهالی مملکت و مخصوصاً اطفال را از مرك‌تهیه نماید.

معلوم است که اعتباراتی که برای حفظ‌الصحه عمومی منظور میشود نباید صرف اداره سازی و حقوقهای بیمصرف بشود بلکه باید در اصل‌حفظ‌الصحه عمومی مصروف گردد.

فقرهٔ‌چهارم نمرهٔ ترتیب مخارج و مصارف مملکتی اگر چه‌محتاج به‌توضیح نیست.

معهذا لازم‌است چند کلمه‌اظهارشود که اگر اعتباراتی که‌برای تعلیمات‌عمومی مملکت منظورشده و میشود بطرز حالیه بمصرف برسد هیچ‌نوع‌نتیجه ازآن‌حاصل نخواهدشد...

زعیم-بلندتر بفرمائید.

آقا میرزا شهاب- از این‌هم بلندتر؟ بچشم.

نه تنها اوضاع معارف در ولایات فوق‌العاده مغشوش و درهم بوده و در اغلب نقاط قلت حقوق معلمین شرم آور است بلکه اوضاع‌معارف‌مرکز هم‌رضایت بخش نیست در ولایات معلمینی وجود دارند که ماهی پنجتومان‌وهفت‌تومان‌حقوق دریافت مینمایند مسلم‌است که بااین‌حقوق هیچ‌معلم حسابی و هیچ آدم باسوادی حاضر برای خدمت و کارکردن نخواهد بود و بالنتیجه مقام مهم تعلمی راکسانی اشغال میکنند نه تنها قادر بتربیت اطفال نیستند.

بلکه‌باعث فساداخلاق بزرگان‌حوزهٔ مأموریت خود شده و برای پیدا کردن اضافه عایدات‌سبب اکثرآنتریك‌هاواغتشاش محل‌خودمیکردند.

کمی‌حقوق وبی‌ترتیبی‌پرداخت‌حقوق معلمین‌مرکزنیز سکته‌فوق‌العاده‌بکارمعارف وارد کرده‌ومینماید.

تشکیلات‌معارفی ما بدبختانه بیشتر صوری بوده وفقط برای قلم‌داد کردن‌عدهٔ مدارس است مختصر توجهی بمدارس ولایات که اغلب اسم بی‌مسمائی بیش نیستند وحتی مدارس مرکز این حقیقت راثابت خواهد نمود عدهٔ مدارس متوسط تهران وعدهٔ شاگردانی که درآنجاتحصیل مینمایند یکی ازدلایل‌قوی اثبات این‌مدعا است.

بنابراین لازم است که درموقع‌تهیه‌و تدوین بوجه معارف.

اولاحقون‌معلمین‌اضافه شود که‌بوسیلهٔ ازدیاد حقوق شودعناصر بهتری را برای خدمات معارف جلب نموده.

ثانیاً به‌کمیت مدارس اهمیت نداده بیشتربه کیفیت مدارس بذل توجه شود و درعوض مدارس متوسطه که هر کدام‌بیش ازپنجاه‌شصت‌شاگردندارندمدارس‌متوسطهٔ که بتوانند سیصدچهارصدشاگر تعلیم‌دهند تشکیل داده صرفه جوئیهای حاصله را بمصرف‌اصلاحات‌دیگر برسانند.

ثالثاً نظر باینکه مملکت ایران‌محتاج باطلاعات وصنایع اروپائی‌است بایدوزارت معارف درضمن بودجه‌خود هرسالی‌مخارج اعزام‌یك‌عده‌شاگردفارغ‌التحصیل‌ازمدارس ایرانی‌را باروپا نموده و تحصیلات آنان‌را در تحت نظارت مستقیم خود قرار دهد نظرتطبیق بودجه اینجانب تصورمیکنم که اگر سالی بیست‌نفر شاگرد باروپا اعزام گرددمتناسب بتالاله مملکت‌خواهدبودباین معنی که اگر دورهٔ تحصیلات شاگردان اعزام‌شده.

راحد وسط هشت سال‌بگیریم باید بترتیب ذیل مخارج آنان دربودجه پیش‌بینی‌شود:

سال اول مخارج بیست نفرتقریبا ۲۰۰۰۰ تومان

سال دوم مخارج چهل نفر تقریبا ٤۰۰۰۰ تومان

سال سوم مخارج شصت نفر تقریبا ٦۰۰۰۰ تومان

سال چهارم‌مخارج هشتادنفر تقریبا ۸۰٫۰۰۰ تومان

سال پنجم مخارج صد نفرتقریبا ۱۰۰۰۰۰

سال‌ششم مخارج ۱۲۰ نفر تقریبا ۱۲۰۰۰۰ تومان

سال هفتم مخارج‌صدوچهل‌نفرتقریبا ۱٤۰۰۰۰ تومان

سال‌هشتم‌وسنوات‌بعد صد وشصت نفر تقریباً ۱٦۰۰۰۰ تومان

رابعاً باید وزارت معارف در تهیه معلمین‌کافی نهایت جدیت را بعمل آورد زیراکه انتظار تعلیمات صحیح‌را از کسانی که‌بااصول پداگوژی آشنانیستند ومخصوصا برای معلمی حاضر نشده اند نمیتوان‌داشت.

خامسا باید پرگرام تحصیلات در مدارس مملکت تصحیح و مرتب شده و اضافات بی نتیجه حذف وپرگرام عملی تهیه‌شود وورزش بدنی واجباری در تمام مدارس بموقع عمل گذارده‌شود زیراکه بقول معروف روح قوی در بدن قوی است.

فقره پنجم که ساختن راهها باشد برای ترقی اقتصادی وتجارت مملکت نهایت لزوم واهمیت را دارد و مخصوصا مملکت ما بواسطه وسعت خاك وکمی جمعیت نهایت احتیاج را بساختن راه ها دارد

درصورتیکه متاسفانه فعلا تمام راه ها خراب وغیر قابل استفاده‌میباشند

ولی البته باید دولت در نظر داشته باشد که راه را نمیتوان یکی از منابع عایدات قرار دادوباجهای گزافی که فعلااز راهها اخذ میشود صدمه‌بزرگی بتجارت و مراودات مملکت میرساند.

اصولا میتوان گفت ارزانی وسایل ارتباط از قبیل تقلیل‌باج راهها وارزانی کرایه وسایل نقلیه.

ارزانی مخابرات تلگرافی وقیمت محمولات پستی بالنتیجه‌اسباب ازدیادثروت ثروت و ترقی مملکت است.

نقره ششم پیشنهاد اینجانب لزومی تشویق فلاحت است زیراکه مملکت‌ایران تاسال های متمادی منحصراً مملکت فلاح بوده وحتی تجارت مملکت هم تجارت فلاحتی است وبنا براین ترقی اقتصادی مملکت تناسب مستقیم‌بافلاحت دارد

البته‌ابرای ترقی وتشویق فلاحت‌غیر از اعتبارات مادی وسائل‌دیگری نیز باید اتخاذ شود که مهمترین آنها رفع‌تزلزل مالکیت بواسطه اعتبارمرورزمان‌درتصرف املاك وتحدید حدود و تسجیل املاك و تعیین تکلیف مالیات اربابی و خالصجات انتقالی بوسیله ممیزی و امثال این است ولی‌درهمان حال باید دولت اقدام در وارد کردن‌ادوات جدید فلاحتی و بستن سدها برای تهیه آب و جلوگیری از آفات فلاحتی و حفظ‌احشام بنمایند

اقلام مخارجی که ذکر شد اقلام مخارج بهره‌ده مملکت است

بنا براین برسایر مخارج مملکتی حق تقدم را دارند.

توضیحات راجع‌باقلام خرج دیگر چندان محل احتیاج نیست.

شیخ محمدعلی طهرانی -آقا آ...

باید ما بفهمیم یانباید بفهمئم

رئیس - چه میفرمائید.

طهرانی - آخر هیچ یك ازو کلانمی فهمند خوب است بقیه اش را بگذارید برای جلسه بعد

آقا سید یعقوب - نمیر آقا همین حالا خوانده شود.

برای جلسه بعد چرا بماند مدتی امروز وقت مارا تلف کرده مدتی هم یك روز دیگر تلف کند.

(خنده بین نمایندگان)

رئیس چند سطر دیگر بیشتر نمانده است.

بنابراین اگر بخواهم وارد اعداد شده و ۲۳٫۹۸۸٫۴۲۵ تومان عوائد مملکتی را که پیش بینی شده است بتناسب اهمیت مخارج مملکتی تقسیم نمائیم اعداد تقریبی ذیل حاصل خواهد شد.

(۱) قروض و تقلبات مالی خارج ۱۶۵۳۴۱۳ تومان

(۲) قواء تامینیهٔ ۱۰۵۴۰۰۰۰ تومان.

وزرات جنك - ۹٫۴۰۰٫۰۰۰

نظمیه - ۱٫۱۴۰۰۰۰

(۳) حفظ الصحه عمومی مرکز و ولایات ۳۰۰٫۰۰۰ تومان

(۴) ساختن و تعمیر راهها ۱۰۰۰٫۰۰۰ تومان

(۵) تعلیمات عمومی یا مخارج تحصیل بیست نفر شاگرد - ۱۰۰۰٫۰۰۰ تومان

(۶) اصلاحات فلاحتی ۱۰۰۰٫۰۰۰ تومان

(۷) مجلس - دربار - ریاست وزراء مستشاران آمریکائی وظایف مخارج پیش بینی نشده.

۱٫۹۹۹٫۰۸۴

۱۷٫۴۹۲٫۰۹۷ تومان

بعد از وضع مخارج مذکوره در فوق از ۲۳٫۹۸۸٫۵۲۵ تومان ۶٫۴۹۵٫۸۲۸ تومان باقی میماند که باید مابین وزارتخانه ها و ادارات دیگر مملکتی تقسیم شود درصورتیکه این پیشنهاد قابل توجه واقع شود کمیسیون محترم بودجه ابتدا اقلام درشت اعتبارات را تصویب و پس آن در حدود آن اعتبارات بودجهٔ جزء تهیه خواهند نمود

رئیس - باید مراجعه شود بشعب یا کمیسیون بودجه؟

بعضی از نمایندگان - بشعب

سردار معظم - خیر آقا. اجازه بفرمائید خودم عرض کنم

بنده این پیشنهادرا باین نظر کردم که مراجعه بکمیسیون بودجه شود اگرچه خیلی متأسفم که این پیشنهاد را کردم که بواسطه نیمساعت گذشتن از ظهر مجلس طوری تلقی کرد این پیشنهاد را که حقیقة اسباب تأسف است

معهذا بنده گمان می کنم رفتن لایحه شعب اسباب تأخیر است چون موقع رفتنش معلوم است ولی موقع برگشتنش معین نیست وعقیده بنده این نبود که پیشنهاد بنده جائی برود که دفن بشود و بنا بر این عقیده دارم که پیشنهاد برود بکمیسیون بودجه وخود بنده هم که صاحب پیشنهاد هستم ممکنست حاضر بشوم در جلسات کمیسیون بودجه وتوضیحات بدهم بلکه کار یك صورت عملی پیدا کند.

رئیس - خیلی خوب مراجعه میشود بکمیسیون بودجه..

شیروانی - لایحه که نیست.

رئیس پیشنهاداست و راجع ببودجه است. دستور فردا: اولا راپرت کمیسیون قوانین مالیه راجع بالصاق تمبر بعرضحال ها، ثانیا راپرت کمیسیون قوانین مالیه راجع بالصاق تمبر ببلیط نمایشگاهها.

ثالثا لایحه پوست بره، رابعا راپرت کمیسیون بودجه راجع بمتقاعدین وزارت خارجه

خامسا راپرت کمیسیون محاسبات مجلس راجع بکنترات دونفر آلمانی برای مطبعه مجلس

آقای سردار معظم

(اجازه)

سردار معظم بنده فراموش کردم در تعقیب پیشنهاد خودم تقاضا کنم میخواستم استدعا کنی که امر بفرمائید طبع و توزیع شود که نمایندگان محترم درست ملتفت بشوند.

رئیس - طبع وتوزیع میشود. جلسه را ختم میکنیم.

جلسه را ختم میکنیم

(سه ربع بعد ازظهر جلسه ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی

موتمن الملك

منشی معظم السلطان مشهاب

جلسه ۴۶

مجلس سه ساعت قبل ازظهر بریاست آقای مؤتمن الملك تشکیل گردید.

(صورتمجلس یوم چهارشنبه ۱۵ اسد را آقای آقا میرزا شهاب قرائت نمودند)

رئیس - آقای مستوفی الممالك را غائب بی اجازه نوشته انداشتباه شده است ایشان با اجازه غائب بوده اند و یك کار فوری هم داشتند که راجع بخود مجلس بود. نسبت بصورت مجلس کسی ایرادی ندارد؟

یکنفر از نمایندگان - خیر

رئیس الوزراء - برحسب دعوتی که قبلا از دولت برای دادن استیضاح شده بود این است که اطلاعاً عرض میکنم دولت برای دادن استیضاح حاضر است و تعیین روزهم موکول بنظر مجلس است

رئیس - از طرف دولت برای تعیین روز پیشنهادی نمیشود؟

سردار معظم - بنده پیشنهادی کرده ام.